

ارزیابی یکپارچگی در محدوده‌های شهری تاریخی با تکیه بر مطالعه محله سلطان امیر احمد کاشان و محدوده‌های پیرامون

حمیدرضا جیحانی*

ثمینه صابری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

علمی پژوهشی

چکیده

یکپارچگی یک محدوده را احتمالاً می‌توان با فهم آن به‌عنوان یک کل به‌هم‌پیوسته مترادف دانست. به نظر می‌رسد که در واقع حفظ ساختارهای ملموس و غیرملموس این کل به‌هم‌پیوسته در نهایت، یکپارچگی یک محدوده تاریخی را تضمین می‌کند. در بخش‌های قابل توجهی از چهارچوب‌های حفاظت، به‌طور ضمنی به یکپارچگی و اهمیت آن اشاره شده است. برای مثال منشور ونیز متذکر شده که محوطه‌های یادمان‌ها باید به‌طور خاص مراقبت شوند تا یکپارچگی آن‌ها حفظ شود. با وجود این، دست‌کم روال مشخصی برای ارزیابی و احصای یکپارچگی در محدوده‌های شهری تاریخی در ایران تنظیم نشده است و مشخص نیست حدود یکپارچگی چه هستند. این در صورتی است که از جمله مهم‌ترین آسیب‌ها در شهرهای تاریخی ما تداوم نیافتن یکپارچگی به آن نحوی است که در وضعیت‌های تاریخی قابل شناسایی است. هدف این مطالعه یافتن اصلی‌ترین معیارهایی است که در ارزیابی یکپارچگی یک محدوده شهری نقش دارند. در این مقاله معیارهای اولیه برای ارزیابی یکپارچگی بر اساس چهارچوب‌های حفاظتی موجود تدوین و سپس مدل اولیه بر روی پهنه شهری دربردارنده محله سلطان امیر احمد و محدوده‌های شهری پیرامون به اجرا درمی‌آید. مقصود آن است که یافته‌های اولیه بر روی یک وضعیت شهری واقعی و آسیب‌دیده اجرا شده و معیارهای مورد نظر به‌صورت دقیق‌تری تبیین شوند. در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده و متون تاریخی، اسناد کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و به‌ویژه بررسی تصاویر تاریخی مسیر دستیابی به اطلاعات بوده است. لذا تلاش شده است تا وضعیت اولیه و تقریباً یکپارچه محدوده شهری مورد نظر بر اساس وضعیت ضبط‌شده در عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ و همچنین اطلاعات موجود از کاربری‌ها و کار و زندگی مردم در گذشته بازسازی شود. مدل اولیه برای ارزیابی یکپارچگی نیز عمدتاً بر اساس تحلیل متونی چون توصیه‌نامه نایروبی، منشور واشنگتن، بیانیه سن‌آنتونیو و اصول والتا تدوین شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که تغییر و تحولات صورت گرفته چگونه بر الگوهای کلان، بافت، بناها و ویژگی‌های بصری، رابطه محدوده با محیط پیرامون، کارکردها، روح و هویت مکان، فنون سنتی و سنت‌های فرهنگی یک محدوده شهری تاریخی تأثیر گذاشته و چگونه یکپارچگی آن را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

شهر تاریخی، حفاظت شهری، کاشان، محله سلطان امیر احمد، یکپارچگی.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۲۲ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

صفحات ۵۵-۷۹

* دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول، h_jayhani@sbu.ac.ir
** کارشناسی ارشد، مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی

پرسش‌های پژوهش

۱. برای مطالعه و ارزیابی یکپارچگی یک محدوده شهری تاریخی توجه به چه معیارهای پایه‌ای ضروری است؟
۲. ساختار کالبدی و کارکردی محله سلطان امیر احمد تا پیش از تغییراتی نظیر احداث خیابان علوی، رشد و توسعه شهر کاشان و تخریب‌ها و نوسازی‌های صورت گرفته چگونه بوده است؟
۳. تغییرات ذکر شده چه تحولاتی در کالبد و کارکرد این محله ایجاد کرده و چگونه بر یکپارچگی و پیوستگی آن تأثیر گذاشته‌اند؟

مقدمه

محله‌های تاریخی بخش‌های باقی‌مانده از شهر و ساخت تاریخی آن هستند که به دلیل تحول و دگرگونی‌های دهه‌های اخیر شناخت وضعیت اصیلشان دشوار است. در واقع تلاش برای شناخت محله‌های تاریخی، تلاش برای شناخت شهرهای تاریخی است؛ از جمله در جهت شناخت ساختار و کارکردهای اصیلی که در طی سال‌ها کسب کرده‌اند. مقصود، ساختار و کارکردهای اصیلی است که هویت شهرها را نشان می‌دهد. محله سلطان امیر احمد یکی از محله‌های تاریخی کاشان است که قدمتش به واسطه وجود عناصری مانند قلعه جلالی، زیارتگاه سلطان امیر احمد و بقعه چهل دختران به دوران سلجوقی و ایلخانی نسبت داده می‌شود. برخی منابع از جمله عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ساخت تاریخی محله تا پیش از تغییر و تحولات نزدیک به شش دهه آخر سده چهاردهم را آشکار می‌کنند. از جمله تغییر و تحولات یادشده می‌توان به احداث خیابان‌های فاضل نراقی، بخارایی، ملافتح‌الله و علوی اشاره کرد که ساختشان تخریب و چندپاره شدن محله را به دنبال داشته است. علاوه بر این، تخریب و نوسازی واحدهای مسکونی و رشد و توسعه شهر از جمله دیگر تحولات شهری محسوب می‌شوند که به این محله آسیب رسانده‌اند.

محدوده شهری مورد نظر به‌ویژه در اثر تخریب و نوسازی برخی واحدهای مسکونی و همچنین ساخت‌وساز گسترده در زمین‌های گسترده باقی‌مانده از گورستان قدیمی آسیب دیده و یکپارچگی خود را از دست داده است. در پی رخدادهایی از این دست، ماهیت اولیه و اصیل محله دچار آسیب شده و محدوده مورد نظر از محیط شهری پیرامون خود نیز منفک شده است. این محله از جمله محله‌های شاخص شهر محسوب می‌شود. خانه‌های تاریخی پرشماری همچون خانه‌های بروجردی‌ها، طباطبایی، باکوچی و بافنده از جمله بناهای شاخص این محله‌اند که در کنار دانه‌های ارزشمندی نظیر قلعه جلالی، زیارتگاه و حمام سلطان امیر احمد و بقعه چهل دختران تصویر عمومی این محدوده کهن شهری را شکل داده‌اند. در عین حال شکل و ساختار امروزی این محله با گذشته و مثلاً با آنچه در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و پیش از تحولات عمده شهری قابل مشاهده است تفاوت دارد و پیمایش در سطح محله نیز تغییر و تحولات وسیعی را آشکار می‌کند. چندپاره شدن این محله و منفک شدن آن از محیط شهری پیرامون موجب شده که امروزه نتوان شکل و ساختار اصیل و یکپارچه آن را به درستی درک کرد. در عین حال از آنجا که یکپارچگی یک محدوده شهری به عوامل متعددی ربط دارد، فهم آن نیازمند روشی برای ارزیابی این موضوع است. هدف این مقاله مطالعه و تدوین چهارچوبی برای ارزیابی یکپارچگی در یک محدوده شهری و به‌طور دقیق‌تر یک محله است. برای دستیابی به این هدف، پس از بررسی و شناسایی مقدماتی محله، چهارچوب اولیه برای ارزیابی یکپارچگی تهیه و تنظیم می‌شود. سپس محدوده شهری و خصوصیات ملموس و ناملموس آن بر اساس مدل اولیه ارزیابی می‌شوند تا کارایی و قابلیت چهارچوب یادشده بر اساس شناسایی آسیب‌ها و تغییر و تحولات ایجاد شده سنجیده شود.

۱. پیشینه پژوهش

در مطالعاتی که درباره نحوه شکل‌گیری و توسعه شهری کاشان صورت گرفته (بیرشک ۱۳۹۹) و همچنین مطالعاتی که بافت شهری کاشان را تفسیر کرده است (Neglia 2018) به محله سلطان امیر احمد و نقش آن در شکل‌گیری

شهر اشاره شده است. در عین حال خود محله نیز موضوع برخی مطالعات شهری نظیر بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در محله‌های شهری (لقمان، سعیده‌زراپادی، و بهزادفر ۱۳۹۸) و بررسی تأثیرات فقر شهری بر ساختار فضایی-کالبدی بافت قدیم شهرها (حیدری‌سورشجانی، غلامی، و موسوی ۱۳۹۶) بوده است. همچنین در کنار موارد ذکر شده می‌توان به پژوهش رضوی‌زاده و غفاری (۱۳۹۸) اشاره کرد که در آن به رابطه رفتار و فضای شهری مرکز محله سلطان امیر احمد پرداخته شده است. محله سلطان امیر احمد موضوع برخی پایان‌نامه‌ها بوده است؛ از جمله در یک پایان‌نامه نقش طراحی میان‌افزا در احیای بافت‌های تاریخی بررسی شده^۱ و در نمونه دیگر ضمن مطالعات ریخت‌شناسی و نقش آن در حفاظت از شهر تاریخی، احیای خیابان علوی بررسی شده است.^۲ در پژوهش‌های دیگری ساخت محله و تغییر و تحولات آن بررسی شده (جیحانی، ارزانی، و محمدقلی‌بیک ۱۳۹۴) و با میزان تأثیرگذاری محورهای جدیدی نظیر خیابان‌های فاضل نراقی و علوی بر خصوصیات فضایی این محله و محدوده مرکزی آن مطالعه شده است (سیدهاشمی و جیحانی ۱۳۹۹).

زیر عنوان انسجام کالبدی و اجتماعی نیز گاه به موضوع یکپارچگی و پیوستگی محله‌ها و بافت‌های تاریخی پرداخته شده است. به‌طور مثال در مقاله تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی، انسجام به‌معنای کلیت و یکپارچگی آمده و اصول انسجام‌بخش شهر از نظر صاحب‌نظران مورد بررسی قرار گرفته است (شرقی و دیگران ۱۳۹۶). تدقیق و بازتعریف شاخصه‌های انسجام کالبدی-اجتماعی محله در نمونه‌های غیرتاریخی موضوع پژوهش‌های دیگری بوده است که در آن با محور قرار گرفتن طراحی شهری مشارکت‌مبنا، هدف یافتن معیارهای انسجام و پیوستگی کالبدی-کارکردی محله ایرانی بوده است (بهزادفر، علی‌الحسابی، و فتاحی ۱۳۹۷). در پژوهش دیگری، نظریات متخصصان در ارتباط با اصل انسجام و کلیت محلات بررسی شده و به عواملی مانند پیوستگی، یکپارچگی توده و فضا و وحدت مرتبط دانسته شده است تا الگوی مفهومی از معیارهای انسجام و امتزاج در بافت محله‌های تاریخی بخشی از کرمان تبیین شود (محمدی‌زاده، ماجدی، و سعیده‌زراپادی ۱۳۹۷). با وجود بررسی‌های صورت‌گرفته در بیشتر این پژوهش‌ها مفهوم یکپارچگی در مورد شهر تاریخی و یا بخشی از یک شهر تاریخی در مرکز توجه نبوده و یا اینکه مفهوم یادشده در زمینه‌ای کاملاً مرتبط با حفاظت شهری مدنظر قرار نگرفته است.

۲. روش پژوهش

به‌منظور مطالعه و شناخت شکل اصیل و یکپارچه محله سلطان امیر احمد نیاز است متون تاریخی، اسناد و به‌ویژه تصاویر تاریخی این محله بررسی و مطالعه شوند. این موضوع که محله تا حدود چه سال‌هایی هنوز تحت تأثیر تحولات شهری دچار دگرگونی‌های عمده‌ای نشده، با مطالعه تصاویر هوایی به‌ویژه عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ قابل بررسی است. بدین منظور ابتدا از روی عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ محله نقشه‌هایی تهیه شده و برای بررسی تغییرات میان این دوره و وضعیت امروزه آن مقایسه‌ای میان نقشه تهیه‌شده سال ۱۳۳۵ با نقشه وضع موجود صورت گرفته است. مطالعات میدانی و تهیه تصاویری از وضعیت موجود محله امکان شناسایی تغییرات را میسر می‌کند. استخراج و شناسایی ویژگی‌های یک محدوده تاریخی از روی اسناد تصویری، مطالعات میدانی و همچنین اطلاعات جمع‌آوری شده بر مبنای متن توصیه‌نامه نایروبی، منشور واشنگتن، بیانیه سن‌آنتونیو و اصول والتا و تفسیر و تحلیل آن‌ها انجام شده است و این مرحله را می‌توان بخش توصیفی مقاله با بررسی و واکاوی اطلاعات موجود برشمرد. از سوی دیگر ارزیابی یکپارچگی و پیوستگی محله سلطان امیر احمد با مقایسه اطلاعات وضعیت اصیل یا پیشین با وضع موجود صورت گرفته است. در واقع در این قسمت سعی شده با تحلیل دقیق تغییراتی که در ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی محله صورت گرفته، میزان آسیب واردشده به یکپارچگی محدوده یادشده محاسبه شود.

۳. محله سلطان امیر احمد

در کتاب *مرآت القاسان* دو بار به نام محله سلطان امیر احمد اشاره شده است. این کتاب قدیمی‌ترین متن توصیفی نسبتاً

مفصل درباره کاشان است که در دوره قاجار به نگارش درآمده است. در کتاب یادشده و در توضیحات قنات نصرآباد و امامزاده امیر احمد به نام محله مورد نظر اشاره شده است. کلاتر ضرابی (۱۳۷۸، ۹۶ و ۴۳۱) شرح داده که آب قنات نصرآباد از حوالی دروازه فین در محله سلطان امیر احمد داخل شهر کاشان شده و همچنین مزار زیارتگاه امیر احمد قریب دروازه فین در محله سلطان امیر احمد واقع شده است.

این محله از جمله محله‌هایی است که عناصر شاخص بسیاری را در خود جای داده است. زیارتگاه سلطان امیر احمد که نام محله نیز از آن گرفته شده، حمامی به همین نام، قلعه جلالی و یخچال‌های مجاور آن، بقعه چهل دختران و خانه‌های تاریخی پروجردی‌ها، طباطبایی و باکوچی نمونه‌هایی از این عناصر هستند. هر کدام از این عناصر نه تنها نقش قابل توجهی در هویت کالبدی و کارکردی این محله، بلکه در کل شهر داشته‌اند. همان گونه که نقشه بازسازی وضعیت تاریخی کاشان و عکس هوایی سال ۱۳۳۵ نشان می‌دهد، حدود این محله از جنوب و غرب به باروی شهر محدود می‌شده است. در عین حال شمال این محله به گورستان سلطان امیر احمد و گذر سرفره و شرق آن نیز به کوچه‌ای منتهی می‌شده که به دروازه لبحر می‌رسیده است و امروزه با نام خیابان نخل شناخته می‌شود (تصاویر ۱ و ۲). امروزه حدود این محله به دلیل برخی تحولات شهری دچار تغییر شده است. برای مثال باروی شهر در طی سال‌ها تقریباً به‌طور کامل از بین رفته و تنها قسمت‌های محدودی از آن در شرق و غرب قلعه جلالی باقی مانده است، خیابان‌کشی‌های بسیاری صورت گرفته و در نتیجه جنوب محله به خیابان‌های سپیده کاشانی و ملافتح‌الله و غرب محله نیز به خیابان بخارایی محدود شده است. همچنین به دلیل ساخت‌وسازهای صورت گرفته، از گورستان امیر احمد اثری باقی نمانده است. در شمال این محدوده، محله‌های ترک‌آباد، سوریجان، گریچه و سرفره-کوشک صفی قرار داشته‌اند و بخش‌هایی از محله درب اصفهان نیز در شرق محله قرار داشته است. امروزه نیز این وضعیت با وجود تغییرات رخ داده شده باقی مانده است. این در حالی است که غرب و جنوب محله پس از باروی شهر به زمین‌های بایر و کشاورزی ختم می‌شده است. این محدوده‌ها امروزه تماماً زیر ساخت‌وساز رفته‌اند. نکته قابل توجه، احداث خیابان علوی در اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی در میانه بافت درهم‌تنیده محله‌های سلطان امیر احمد، ترک‌آباد، سوریجان، گریچه و سرفره-کوشک صفی است. احداث این خیابان محله سلطان امیر احمد را به دو ناحیه جدا از هم تبدیل کرده و ارتباط محله ترک‌آباد و سوریجان با گریچه را نیز به‌طور کامل قطع کرده است (تصویر ۳).

قلعه جلالی و قسمت‌های محدود باقی‌مانده از حصار شهر از جمله قدیمی‌ترین عناصر مرتبط با این محله محسوب می‌شوند؛ زیرا اگرچه عناصری در مقیاس شهر و فراتر از محله هستند، در عین حال در اتصال و پیوند کالبدی و منطقی با محله قرار دارند. گفته می‌شود ساخت قلعه جلالی به عهد سلجوقیان بازمی‌گردد و به فرمان سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه ساخته شده و شصت سال بعد از احداث این قلعه مجدالدین عبیدالله از وزرای سلاجقه برج و باروی مستحکم را دور شهر کشیده است (نراقی ۱۳۴۸، ۹۴؛ بیرشک ۱۳۹۹، ۱۰۷). از نوشته‌های کلاتر ضرابی (۱۳۷۸، ۱۱۵) مشخص می‌شود درون قلعه جلالی در دوره ناصری نیز اثری از ابنیه و عمارات وجود نداشته و طی چهار فصل در آن زراعت می‌کرده‌اند. در عین حال به نظر می‌رسد ساخت این قلعه و باروی یادشده تأثیر و نقش قابل توجهی در ساختار شهر کاشان داشته است. گفته می‌شود که با ساخت قلعه در بیرون شهر و در ناحیه جنوبی مدفن و زیارتگاه امامزاده احمد بن موسی و قبرستان جنب آن، ساخت‌وساز نواحی مسکونی در سمت شمالی قلعه رونق پیدا کرده و علاوه بر این، ایجاد تأسیسات و خدمات رفاهی شهری مانند آب‌انبار و مسجد و حمام در کنار زیارتگاه و همچنین قلعه جلالی منجر به تشکیل یک مرکز محله جدید شده و در نهایت به شکل‌گیری محله اعیان‌نشین سلطان امیر احمد کمک کرده است. حدس زده‌اند که جاذبه قلعه جلالی و محله سلطان امیر احمد در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری قمری باعث شده است توسعه شهر به سمت جنوب غربی ادامه یابد و شهر کاشان در این برهه به دو محدوده گسسته از هم تبدیل شود که هر یک دارای یک قطب جاذب و عمده بوده که نقش اصلی را در سازمان‌دهی شهر داشته‌اند؛ محدوده اول حاصل توسعه شهر در دوره آل بویه و با مرکزیت بازار بوده و محدوده دوم پیرامون ارک حکومتی شهر (قلعه جلالی) توسعه یافته است. پس از احداث حصار و باروی شهر، به‌علت وسعت زمین‌های زراعی و باغ‌های میان دو قطب یادشده تا سده دهم هجری

قمری نیاز به توسعه بیشتر سطح شهر وجود نداشته است. از این رو که به ساخت و سازهای مسکونی در داخل بارو و توسعه در فضای خالی پهنه میان دو محدوده گسسته موجود شهر اکتفا می‌شده است (بیرشک ۱۳۹۹، ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۳۸؛ کریمی ۱۳۶۸، ۲۱۳-۲۱۴).

بقعه چهل دختران و زیارتگاه سلطان امیر احمد عناصر شاخص دیگری هستند که در ساختار کالبدی و کارکردی این محله تأثیرگذار بوده‌اند. با توجه به مطالعاتی که در زمینه موقعیت گورستان در شهرهای ایران پس از اسلام انجام گرفته، شکل‌گیری اولیه این فضا حتی الامکان در کنار اماکن مقدس و عموماً در خارج از شهرها در مکانی با سهولت دسترسی برای بازماندگان صورت می‌گرفته است (حقیر و شوهانی‌زاده ۱۳۹۰، ۸۳). در نتیجه می‌توان حدس زد که وجود مدفن و زیارتگاه سلطان امیر احمد در این ناحیه موجب ایجاد قبرستان و بقعه چهل دختران آ در پیرامون آن شده است. هر چند این احتمال هم وجود دارد که بقعه‌ها حاصل ساخت مزار و توسعه آن در گورستان قدیمی تری بوده‌اند. بنای بقعه چهل دختران را با توجه به معماری آن مربوط به دوران مغول می‌دانند (نراقی ۱۳۴۸، ۲۶۹). همچنین گفته شده قبر برجسته داخل زیارتگاه امامزاده امیر احمد نیز که درون ضریح چوبی مشبکی قرار داشته، از قدیم‌الایام شامل کاشی‌های گران‌بهایی از عهد مغول بوده که در اوایل سده چهاردهم هجری قمری به سرقت رفته‌اند (همان، ۱۷۱).

با در نظر گرفتن مطالب بالا سابقه این محله ممکن است تا دوره ایلخانی یا سلجوقی به عقب بازگردد. در عین حال این نکته قابل اشاره است که نمی‌توان به تاریخ دقیقی از شکل‌گیری اولیه محله در این محدوده اشاره کرد. گاه برخی اشارات در نوشته‌های دن گارسیا دیسیلوا فیگوئرا^۴ را که در زمان شاه‌عباس اول به ایران آمده به محله سلطان امیر احمد نسبت می‌دهند (سادات‌بیدگلی ۱۳۹۶، ۲۲). اما مسلم و قابل استناد است که محدوده مورد مطالعه در دوره قاجار به‌عنوان محله سلطان امیر احمد شناخته می‌شده و از دوره یادشده بناهایی مانند حمام سلطان امیر احمد، خانه بروجردی‌ها، خانه طباطبایی و خانه بافنده نیز باقی مانده‌اند. با توجه به این بناها و سایر عناصر تاریخی و تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ می‌توان شکل تاریخی این محله را مطالعه کرد. همچنین ذکر نام محله‌های پیرامون نظیر ترک‌آباد، کوشک صفی و درب اصفهان در برخی منابع تاریخی (سپهر ۱۳۵۵، ۴۳۶؛ کلانتر ضرابی ۱۳۷۸، ۳۰۲) و وجود عناصر تاریخی همچون مسجد سورجیان، زیارتگاه گریچه و مجموعه کوشک صفی نشان از منطقه‌ای تاریخی و واجد ارزش دارد که به ساختار کالبدی و کارکردی کاشان شکل و غنا بخشیده است.

بررسی کوتاه بالا نشان می‌دهد که محله از یک ساخت منسجم شهری و همچنین عناصر مهمی تشکیل شده است که در پهنه وسیعی پراکنده شده‌اند و با محدوده‌های شهری دیگر و عناصر مهمی از شهر تاریخی از جمله حصار و قلعه و سایر عناصر وابسته ارتباط گسترده دارند. این ساخت و عناصر، مجموعه وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و آیینی را نیز در بر می‌گرفته‌اند. موضوعاتی که ممکن است هم‌اکنون همچون گذشته رواج نداشته باشند و علاوه بر این به‌خوبی یا به‌طور کامل نیز قابل بازشناسی نباشند. این موضوع روشن می‌کند که ارزیابی یکپارچگی جز با تعریف چهارچوبی مشخص و مدون و با توجه به خصوصیات و شخصیت شهر تاریخی میسر نیست.

۴. چهارچوبی برای ارزیابی یکپارچگی محدوده‌های شهری تاریخی

از اولین اشارات به موضوع یکپارچگی محوطه‌های تاریخی، موضوعی است که ماده ۱۴ منشور ونیز (UNESCO 1964) توجه به آن را جلب کرده است. بر این اساس، محوطه‌های یادمان‌ها باید به‌طور خاص مراقبت شوند تا هم یکپارچگی آن‌ها حفظ شود و هم سامان‌دهی و معرفی آن‌ها به‌طوری شایسته تضمین گردد. بر طبق این منشور، کار حفاظت و مرمت در چنین مکان‌هایی باید با الهام از اصول مقرر این منشور انجام گیرد. بعدها در منشور بین‌المللی جهانگردی فرهنگی (ICOMOS 1999a)، مدیریت افراطی یا بسیار ضعیف گردشگری و توسعه در زمینه‌های مرتبط با گردشگری به‌مثابه تهدیدی برای ماهیت فیزیکی، یکپارچگی و ویژگی‌های درخشان میراث برشمرده شده است. در این منشور به اهمیت مکان‌های عمده میراث فرهنگی و ارزش ذاتی که آن‌ها برای همه انسان‌ها دارند پرداخته شده و این موضوع شالوده‌ای مهم برای تنوع فرهنگی و توسعه اجتماعی تلقی شده است. همچنین حفاظت و حفظ بلندمدت



تصویر ۲: محله سلطان امیر احمد در سال ۱۳۳۵



تصویر ۱: نقشه بازسازی شده وضعیت کاشان در انتهای دوره قاجار بر اساس مطالعات ثریا بیرشک (مهندسان مشاور شهر و خانه ۱۳۷۴)



تصویر ۳: وضع موجود محله سلطان امیر احمد

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۲ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

فرهنگ‌های زنده، مکان‌های میراث، مجموعه‌ها، یکپارچگی فیزیکی و بوم‌شناختی، و نیز بافت محیطی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه نیز تأکید شده است که موضوعات یادشده باید از محورهای اصلی سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و خط‌مشی‌های سیاسی، قانون‌گذاری و فرهنگی توسعه گردشگری باشند.

در منشور میراث ساخته‌شده بومی (ICOMOS 2000) و اصول حفاظت از ساختمان‌های چوبی تاریخی (ICOMOS 1999b) نیز به موضوع اهمیت و حفظ یکپارچگی اشاره شده است. بر طبق منشور میراث ساخته‌شده بومی، مداخله در ساختارهایی از این دست باید به‌نحوی به انجام رسد که یکپارچگی ساختگاه، ارتباط با چشم‌انداز فیزیکی و فرهنگی و ارتباط یک ساختار با ساختار دیگر را مراعات و حفظ کند (ICOMOS 2000). در عین حال در اصولی که برای حفاظت از ساختمان‌های چوبی تاریخی تدوین شده، هدف اولیه مراقبت و حفاظت، حفظ اصالت تاریخی و یکپارچگی میراث فرهنگی ذکر شده است. بنابراین هرگونه مداخله‌ای در این آثار باید بر پایه مطالعات و ارزیابی‌های دقیق باشد. علاوه بر این، مشکلات و مسائل مربوط به هر اثر باید منطبق با شرایط و نیازهای آن و با توجه کامل به ارزش‌های زیبایی‌شناختی و تاریخی و نیز یکپارچگی فیزیکی آن ساختار یا محوطه تاریخی برطرف شوند (ICOMOS 1999b).

در بیانیه سن آنتونیو (ICOMOS 1996)، یکپارچگی به‌عنوان یکی از دلایل اثبات اصالت یک محوطه معرفی شده، و همچنین یکی از شاخص‌هایی است که ارزش‌های برجسته و مهم محوطه را آشکار می‌کند. در این بیانیه درباره تعریف یکپارچگی محوطه این پرسش‌ها طرح شده که آیا محوطه پراکنده و ناقص شده است؟ چه میزان از محوطه از دست رفته و ملحقات جدید کدام‌اند؟ باید توجه داشت که این بیانیه با طرح یکپارچگی به‌عنوان یکی از معیارهای اثبات اصالت، به‌نحوی اصالت را مفهومی فراتر از یکپارچگی مادی دانسته است. این در حالی است که بر طبق توصیه‌نامه ناپروبی (UNESCO 1976) که به‌شکل دقیق‌تر به محدوده‌های تاریخی پرداخته است، هر محدوده تاریخی و محیط اطراف آن باید به‌عنوان یک کل به‌هم پیوسته تلقی شود که توازن و ماهیت خاص آن بستگی به پیوستگی اجزای تشکیل‌دهنده آن دارد. این اجزا شامل ساختمان‌ها، ترکیب فضاها و محیط اطراف و البته به همین میزان، فعالیت‌های انسانی می‌شود. لذا تمام عناصر مؤثر شامل فعالیت‌های انسانی، اهمیتی در ارتباط با کل محدوده دارند که نباید نادیده گرفته شوند. این عدم گسست یا دیده شدن اجزا به‌عنوان بخشی از یک کل بزرگ‌تر می‌تواند نوعی پیوستگی اجزا و همچنین یکپارچگی تلقی شود. به‌واقع در توصیه‌نامه ناپروبی صورتی از یکپارچگی که به‌معنای شکل‌گیری یک کل به‌هم پیوسته از اجزای تشکیل‌دهنده است، صرفاً به موضوعات کالبدی محوطه‌ها محدود نمی‌شود و موضوعات فراکالبدی نقش گسترده‌ای دارند.

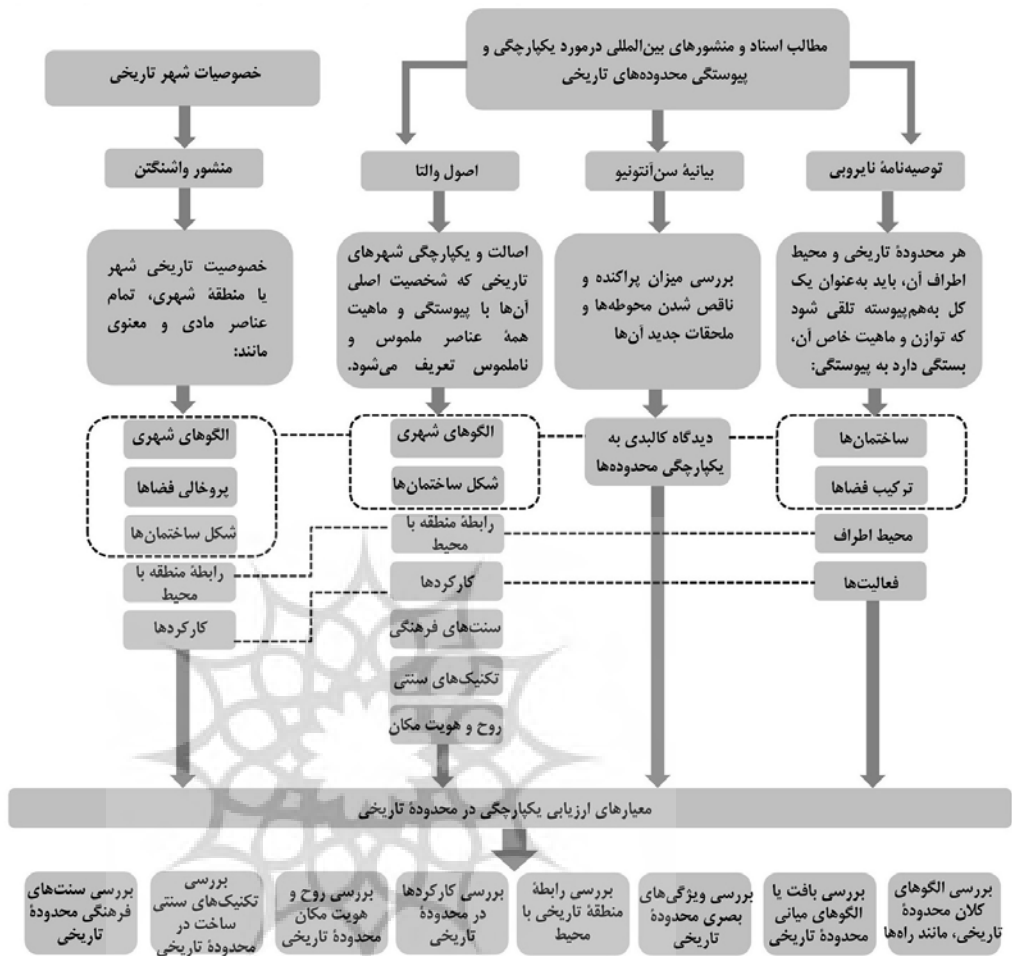
موضوع یادشده از جانب دیگری نیز قابل بررسی است؛ اینکه هم مداخلات کالبدی و هم تغییر و تحولات غیر کالبدی ممکن است بر میزان و چگونگی یکپارچگی تأثیرگذار باشند. مطالعات صورت‌گرفته نیز نشان می‌دهد تحولات شهری مثل احداث خیابان‌ها پیرامون یک منطقه تاریخی در انسجام آن محدوده تأثیرگذار است و گاه از میزان آن می‌کاهد (جیحانی و شفیع ۱۳۹۷، ۴۷). همچنین به نظر می‌رسد از بین رفتن کارکردهای که در طول زمان به یک محله تاریخی معنا می‌بخشیده‌اند، در احصای یکپارچگی و پیوستگی آن محله تأثیرگذار است؛ زیرا از بین رفتن کارکردهای یک محله تاریخی در نهایت به رهاشدگی و از بین رفتن کالبد این فضاها و ایجاد گسست منجر می‌شود (جیحانی و صابری ۱۳۹۹، ۳۸۱). لذا نمی‌توان از نقش این عوامل در حفظ یکپارچگی محدوده‌های تاریخی چشم‌پوشی کرد.

بررسی‌های صورت‌گرفته به‌ویژه با توجه به آنچه در بیانیه سن آنتونیو و توصیه‌نامه ناپروبی و در ارتباط با یکپارچگی محدوده‌های تاریخی آمده است، نشان می‌دهد که باید ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی و از جمله کارکردی محدوده‌های شهری را به‌درستی مطالعه کرد تا روشن شود یک محدوده تاریخی چه میزان از یکپارچگی اولیه خود را حفظ کرده است. به نظر می‌رسد بدین منظور و برای مطالعه ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی محدوده‌های شهری باید به منشور حفاظت از شهرهای تاریخی (ICOMOS 1987) توجه کرد که خصوصیت و شخصیت تاریخی شهر یا یک منطقه شهری را در مرکز توجه قرار داده است. طبق این منشور مطالعه مناطق تاریخی شهری، چه بزرگ و چه کوچک و شامل شهرها

و محله‌های تاریخی، صرفاً به‌همراه محیط‌زیست طبیعی یا انسان‌ساخت آن‌ها میسر است. منشور در عین حال یادآور می‌شود که این مناطق را ورای نقش آن‌ها به‌عنوان مستندات تاریخی، تجسم ارزش‌های مربوط به فرهنگ‌های سنتی شهری می‌داند. در بند دوم این منشور، پنج ویژگی بیان‌کننده خصوصیت و شخصیت کالبدی و کارکردی محدوده‌های شهری تاریخی معرفی شده‌اند: ۱. الگوهای شهری که قطعات زمین و خیابان‌ها آن را معین کرده‌اند؛ ۲. ارتباط بین بناها و فضاهای سبز و باز؛ ۳. ظاهر هندسی بناها چه داخلی و چه خارجی که به‌وسیله مقیاس، اندازه، سبک، ساخت، مصالح، رنگ و تزیینات مشخص شده‌اند؛ ۴. ارتباط بین شهر یا منطقه شهری و وضعیت محیط اطراف، هم طبیعی و هم انسان‌ساخت؛ ۵. کارکردهای متنوعی که یک شهر یا منطقه شهری در طول زمان کسب کرده است. در عین حال، شکل کامل‌تری از این ویژگی‌ها در اصول والتا (ICOMOS 2011) تدوین و تبیین شده است. در این اصول، شخصیت اصلی شهر تاریخی در ارتباطی ماهوی با همه عناصر ملموس و ناملموس تعریف می‌شود که در شکل‌گیری شخصیت شهر تاریخی نقش دارند. در نتیجه به نظر می‌رسد در کنار ویژگی‌های برشمرده‌شده در منشور واشنگتن، توجه به موضوعاتی همچون سنت‌های فرهنگی، فنون سنتی، روح مکان و هرچیزی که به هویت یک مکان کمک می‌کند نیز ضرورت دارد. تسری معیارهایی برای ارزیابی یکپارچگی از آنچه بر اساس منشور واشنگتن قابل برداشت است، به آنچه در اصول والتا می‌توان یافت، نیازمند توجیه این موضوع است که تا چه اندازه می‌توان نقش عناصر و موضوعات ناملموس را پررنگ کرد. بخش وسیعی از وجوه ناملموس سازنده شخصیت شهر تاریخی در منشور واشنگتن در کارکردهای شهر یا منطقه شهری تاریخی خلاصه شده است. طبق توصیه‌نامه نایروبی (UNESCO 1976) یک کل به‌هم‌پیوسته از ساختمان‌ها، ترکیب فضاها، محیط اطراف و فعالیت‌های انسانی نشان‌دهنده خصوصیات یک محدوده است و البته توازن و ماهیت آن به پیوستگی اجزای یادشده بستگی دارد. در توصیه‌نامه از واژه Coherent یا منسجم استفاده شده است که باید نتیجه وجود یکپارچگی تلقی شود و نه سازوکار ایجاد آن. به بیان دیگر توصیه‌نامه نایروبی به نتیجه وجود یکپارچگی توجه داده و در کنار عناصر ملموس، نقش گسترده فعالیت‌های انسانی را پررنگ کرده است. این فعالیت‌های انسانی و رد آن‌ها در حیات یک محدوده شهری تاریخی، همان بستری است که علاوه بر کارکردها به‌تدریج ایجاد سنت‌های فرهنگی، فنون سنتی، روح مکان و هویت را نیز میسر می‌کند. از این رو به نظر می‌رسد آنچه از اصول والتا در مورد عناصر ناملموس سازنده شخصیت شهر تاریخی قابل برداشت است به درک بهتر مفهوم یکپارچگی کمک می‌کند و ارزیابی آن را نیز به‌طرز دقیق‌تری ممکن می‌سازد. باید در نظر داشت که این موضوعات با صورت بسط‌یافته آنچه در منشور حفاظت از شهر تاریخی زیر عنوان کارکردهای شهر یا منطقه شهری تاریخی ذکر شده است منافات ندارد. بر این اساس، حفاظت از یکپارچگی شهرهای تاریخی و ارزیابی این یکپارچگی از طریق مطالعه و سنجش موضوعات و عناصری همچون الگوهای شهری، بافت، شکل و ظاهر ساختمان‌ها، رابطه منطقه شهری و محیط اطراف آن، کارکردها، سنت‌های فرهنگی، فنون سنتی، روح مکان و هرچیزی که به هویت یک مکان کمک می‌کند، میسر می‌شود. در نتیجه به نظر می‌رسد برای درک صحیح از وضعیت محله سلطان امیر احمد باید همین موضوعات و عناصر مورد مطالعه، ارزیابی و مقایسه قرار بگیرند تا بر مبنای آن بتوان به درک و شناخت صحیحی از میزان یکپارچگی محله تاریخی مورد نظر دست یافت (تصویر ۴).

۵. مطالعه ویژگی‌ها و ارزیابی یکپارچگی محله سلطان امیر احمد

بر اساس یافته‌های بخش پیشین ارزیابی یکپارچگی در محدوده‌های شهری تاریخی از طریق سنجش هشت معیار الگوهای کلان، بافت یا الگوهای میانی، ویژگی‌های بصری، رابطه محدوده با محیط پیرامون، کارکردها، روح و هویت مکان، فنون سنتی و سنت‌های فرهنگی میسر می‌شود. این ویژگی‌ها ابتدا با مطالعه اسناد تاریخی و تصاویر هوایی این محله به‌ویژه عکس هوایی سال ۱۳۳۵ بررسی و سپس با تصاویر هوایی و مطالعات میدانی وضع موجود مقایسه شده‌اند. این ارزیابی‌ها علاوه بر اینکه موجب شناخت شخصیت این محدوده تاریخی می‌شوند، نشان می‌دهند چگونه تغییر و تحولاتی که در شهر کاشان صورت پذیرفته، بر شخصیت و یکپارچگی محله سلطان امیر احمد تأثیر گذاشته‌اند. توجه



تصویر ۴: معیارهای ارزیابی یکپارچگی در محدوده‌های شهری تاریخی

به این نکته اهمیت دارد که محله سلطان امیر احمد با محله‌های ترک‌آباد، سوریجان، گریچه و سرفره-کوشک صفی ارتباط پیوسته و درهم‌تنیده‌ای داشته و برای مطالعه و ارزیابی ویژگی‌های این محله بخش‌هایی از محله‌های یادشده نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند (تصویر ۵).



تصویر ۵: محدوده مورد مطالعه محله سلطان امیر احمد و محله‌های پیرامون بر اساس تصویر هوایی سال ۱۳۳۵

۱.۵. بررسی الگوهای کلان

در اسنادی مانند اصول والتا، الگوهای کلان یک محدوده تاریخی با گذرها و شکل قطعات زمین و تأثیر گذاری عناصر بسیار مهمی که شکل شهر یا محدوده شهری را تعریف کرده‌اند، قابل تبیین است. از این رو در این محدوده تاریخی از بررسی عناصر بزرگ مقیاسی مانند قلعه جلالی، حصار سلجوقی و گورستان سلطان امیر احمد نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. قلعه جلالی با خشت و گل و به صورت ده‌ضلعی ساخته شده و دارای برج‌های مدور است، ضخامت دیوار قلعه هشت تا ده متر در پایین و بیش از دو متر در بالا بوده است و مساحتی حدود ۳۰ هزار مترمربع دارد. گفته می‌شود ارتفاع دیوار قلعه بیش از دوازده متر بوده است. این قلعه که هنوز در آن زراعت می‌شود و حصار سلجوقی قرن‌ها از کاشان در مقابل مهاجمان محافظت کرده و از نظر شکلی نیز در ایجاد شخصیت و خصوصیت منحصر به فرد برای شهر نقش داشته‌اند. در عین حال محدوده گورستان سلطان امیر احمد نیز تا اواسط دهه ۱۳۳۰ شمسی بر روی تصاویر هوایی قابل شناسایی است و به نظر می‌رسد در همین دوران ساخت‌وسازها در این محدوده آغاز شده است. نراقی (۱۳۴۸، ۱۹۷) به این نکته اشاره کرده است که در دوران پهلوی ابتدا دفن اموات در محدوده شهر ممنوع شد و سپس آثار گورستان‌های سابق نیز به وسیله احداث میدان و خیابان و ابنیه عمومی بر طرف شده است.

نمونه دیگری از این گونه گورستان‌ها را می‌توان در محله‌های پنجه‌شاه، پاقپان و گلچقانه نیز مشاهده کرد. گورستان پنجه‌شاه پیرامون مدفن هارون بن موسی (ع) شکل گرفته و وسعت و شکل نامنظم آن شباهت بیشتری به گورستان سلطان امیر احمد دارد (جیحانی و دیگران ۱۳۹۹، ۱۶-۱۹). این در حالی است که گورستان میرنشانه که آثار برخی از سنگ‌قبرهای آن تا حدود پنج سال پیش نیز قابل مشاهده بوده، پیرامون مدفن حسن بن موسی (ع) شکل گرفته و به نظر می‌رسد به مانند گورستان گلچقانه دارای وسعتی کمتر و شکلی منظم‌تر بوده است. محدوده این گورستان هنوز مورد ساخت‌وساز قرار نگرفته است (جیحانی و صابری ۱۳۹۹، ۳۷۴؛ جیحانی و دیگران ۱۳۹۸، ۱۰۵). در واقع وسعت زیاد گورستان محله سلطان امیر احمد احتمالاً دلیل اصلی تغییر ماهوی آن و حذف به صورت کلی از محدوده شهری یاد شده است. این در صورتی است که گورستان کوچک‌تر مجاور بقعه میرنشانه تا حد قابل توجهی حفظ شده و زندگی‌اش در قامت یک فتاحه یا فضای باز شهری تداوم یافته است؛ هر چند خود گورستان و شکل اولیه آن که در ارتباط با یک محله ایجاد شده، فراتر از محل دفن بوده و باید صورتی از عرصه اجتماعی بخشی از شهر تلقی شود. شاید از همین روست که بقعه‌های پرشماری در ارتباط و درون همین گورستان‌ها شکل گرفته‌اند. دو بقعه سلطان امیر احمد و پنجه شاه نمونه‌های مفصل‌تر و تکامل یافته‌تر این نمونه بناها محسوب می‌شوند. بررسی هر دو بنا نشان می‌دهد در سیر تحول و تکامل زیارتگاهی کوچک به تدریج گسترش یافته و بعد از شکل‌گیری و توسعه عزاداری شیعی توأم با حرکت در بستر شهری، عناصری همچون صحن را نیز شامل شده‌اند. این صحن‌ها در ارتباط مستقیم با گذرها و مسیرهای حرکت دسته‌جات عزاداری شکل گرفته‌اند و کل ترکیب تکامل یافته باید نتیجه بعدی از ابعاد گورستان و نقش آن در محله‌ها تلقی شود.

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که حداقل تا اواسط دهه ۱۳۳۰ شمسی گورستان‌ها در کاشان فضاهای شهری بوده‌اند که با عناصر و فضاهای پیرامونی خود ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند. در محدوده تاریخی دربردارنده محله سلطان امیر احمد پنج گذر سرفره، سوریجان، سنگ‌پلویی، کوشک صفی و حاج‌شیخ قرار گرفته‌اند. مشخص است امتداد و راستای گذر سرفره مهم‌ترین گذر محله سلطان امیر احمد است. این گذر که از جنوب گورستان سلطان امیر احمد آغاز می‌شده، توسط معبری به دروازه لحر راه می‌یافته و در ادامه با اتصال به گذر صدره به دروازه اصفهان منتهی می‌شده است. در واقع دسترسی اصلی به محله سلطان امیر احمد توسط این گذر صورت می‌گرفته است. یکی از پرنگ‌ترین نقش‌های این گذر در کنار نقش ساختاری، نقش مذهبی و آیینی آن است. در واقع این مسیر، معبری بوده که دروازه‌های یادشده را به گورستان و زیارتگاه سلطان امیر احمد متصل می‌کرده است. در طول زمان، پیرامون این گذر و در امتداد آن فضاهای مهمی نظیر تکیه صدره و سرفره، آب‌انبار سرفره و حمام سلطان امیر احمد شکل گرفته است.

همان گونه که بررسی نقشه تهیه شده از عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و نقشه وضع موجود محدوده مورد مطالعه نشان

می‌دهند (تصویر ۶)، از سال ۱۳۳۵ تاکنون بخش‌های وسیعی از حصار سلجوقی از بین رفته است و تنها در شمال غربی و جنوب شرقی قلعه جلالی می‌توان بقایایی از آن را مشاهده کرد. در عین حال قلعه جلالی نیز در طول زمان متحمل آسیب شده و مقداری از سطوح بالای آن شسته شده است. همچنین از چهار یخچال پیرامونی این قلعه که همراه آن در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند، تنها دو یخچال باقی مانده است. محدوده گورستان نیز به‌طور کامل مورد ساخت‌وساز قرار گرفته و مدرسه‌ای که امروزه به‌عنوان مدرسه راهنمایی زعیم شناخته می‌شود، از اولین ساخت‌وسازهایی است که در این گورستان برپا شده است. گذرها و شکل قطعات زمین نیز در این منطقه دچار تغییرات بسیاری شده‌اند. این موضوع را به‌ویژه می‌توان از نتایج احداث خیابان علوی دانست. به نظر می‌رسد پس از احداث خیابان علوی قسمت‌های وسیعی از محله سلطان امیر احمد دچار تخریب شده و از بین رفته است. تصویر ۶ نشان می‌دهد که پس از احداث خیابان مذکور چگونه محله سلطان امیر احمد به دو قسمت جدا از هم تبدیل شده و قسمتی که در شرق خیابان قرار داشته، به‌مراتب تخریب‌های بیشتری را متحمل شده است. علاوه بر این، محله‌های ترک‌آباد و سوریجان، گریچه و سرفره-کوشک صفی نیز به‌دلیل ایجاد خیابان علوی متحمل آسیب شده‌اند. در نگاهی کلی به نظر می‌رسد محدوده یکپارچه مورد مطالعه پس از ایجاد خیابان علوی به دو محدوده منفک از هم تبدیل شده است. با وجود این، ساخت خیابان به تدریج بر نقش و جایگاه معابر متصل به خیابان تأثیر گذاشته است؛ لذا یکپارچگی در ابعاد خردتر و در طول بسیاری از معابر ادامه یافته است.

از سوی دیگر، بررسی دقیق‌تر گذرهای این منطقه، به‌ویژه سه گذر سرفره، سوریجان و سنگ‌پلویی که نقش ساختاری پررنگ‌تری در این ناحیه دارند، نیز صورت گرفته است. همان‌گونه که در تصویر ۷ مشخص است، گذر سرفره که در شمال محله امیر احمد قرار گرفته، دروازه‌های اصفهان و لتحر را به قلب محدوده متصل می‌کرده است. در اینجا گورستان نقش مرکز و قلب محدوده را داشته و به‌همراه عناصر دیگری همچون زیارتگاه سلطان امیر احمد، مسجد، آب‌انبار، حمام، بقعه چهل‌دختران، کارگاه‌های شعرافی و خانه‌های ارزشمندی نظیر بروجردی‌ها، طباطبایی و مظفری شخصیت مرکز محله را شکل بخشیده‌اند. گذر سنگ‌پلویی که گذری شمالی جنوبی در محدوده است، از قلب محله به مسجد و گذر تاریخی سوریجان منتهی می‌شده و کارگاه‌های شعرافی پرشمار و خانه‌های رویین‌تن و بلال‌زاده از مهم‌ترین عناصر پیرامونی آن بوده‌اند. گذر سوریجان در شمال منطقه مورد مطالعه واقع شده است و پیرامون این گذر شرقی غربی نیز عناصر شاخص بسیاری استقرار یافته‌اند. از مهم‌ترین عناصر پیرامونی این گذر می‌توان به مسجد سوریجان اشاره کرد که نام آن در کتاب *مرآت البلدان* آمده است. با توجه به گفته‌های محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۶۸، ج. ۴: ۲۰۳۲)، مسجد محله سوریجان از ساخته‌های حاجی عبدالرزاق است. ذکر این توضیح، قدمت این بخش از مرکز محله سوریجان را به دوران زندیه می‌رساند. پیرامون مسجد سوریجان یک حسینیه و چند حجره قرار گرفته‌اند که رونق سابق را ندارند. در شرقی‌ترین بخش گذر سوریجان نیز مجموعه چاله‌عدسی قرار گرفته است. دو مسجد، تکیه، آب‌انبار، رختشوی‌خانه، حمام و چند مغازه عناصر این مجموعه بوده و امروزه دچار آسیب‌های بسیاری شده‌اند. از دلایل عمده این آسیب‌ها می‌توان به ساخت حسینیه اعظم اشاره کرد که با تخریب کامل تکیه و رختشوی‌خانه همراه بوده و در ناهماهنگی کامل با این منطقه تاریخی است. به‌جز مسجدی که در جنوب گذر سوریجان واقع شده و دارای کتیبه‌ای است که تاریخ ساخت آن را به ۱۲۸۳ هجری قمری می‌رساند، بقیه عناصر تاریخی این مجموعه تخریب شده و یا بدون کاربری هستند.

با توجه به مطالب بیان‌شده، گذر سوریجان نقش مرکز محله سوریجان را داشته و تأثیر کالبدی و کارکردی آن قابل توجه است. وجود دو مسجد بلال و قاسم‌بیک پیرامون این گذر که سابقه آن‌ها به دوره قاجار بازمی‌گردد، کارگاه‌های شعرافی و خانه‌های تاریخی نظیر رویین‌تن، بلال‌زاده و گلی تأکیدی بر ارزش و اهمیت گذر تاریخی سوریجان است. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهند از سال ۱۳۳۵ تاکنون نزدیک به ۲۸ درصد مساحت محدوده گذرهای سرفره، سوریجان و سنگ‌پلویی تخریب شده است. مقصود مساحت محدوده‌ای است که شامل مساحت گذر و عناصر هم‌جواری است که در طول آن قرار گرفته‌اند. در این میان، محدوده تخریب‌شده در امتداد و پیرامون گذر سرفره با

۱۳۸۱۵ مترمربع به‌طور قابل توجهی از محدوده‌های متناظر در گذرهای سوريجان و سنگ‌پلویی بیشتر است. علت این است که گذر سرفره به‌دلیل ایجاد خیابان علوی نسبت به دو گذر سوريجان و سنگ‌پلویی تخریب‌های بیشتری را متحمل شده و شکل یکپارچه آن نیز از بین رفته است (تصویر ۷).



تصویر ۶: نقشه الگوهای کلان محدوده مورد مطالعه



تصویر ۷: بررسی سه گذر سرفره، سوريجان و سنگ‌پلویی

۲.۵. بررسی بافت یا الگوهای میانی

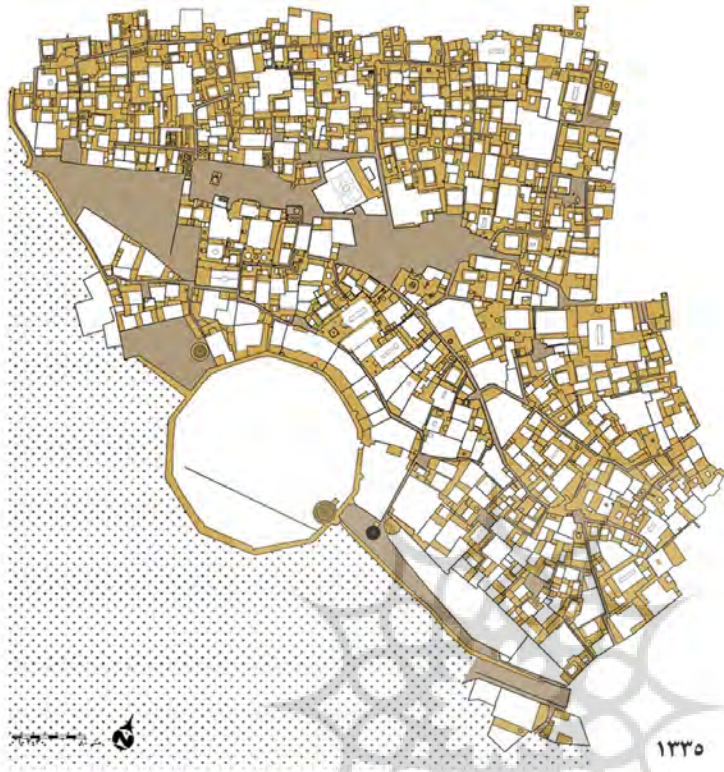
مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهند در کنار احداث خیابان علوی و تخریب‌های حاصل از آن و همچنین فرسودگی‌ها و تخریب‌هایی که در نتیجه بی‌توجهی به این محدوده تاریخی ایجاد شده‌اند، تفاوت‌هایی در شکل، نحوه کنار هم قرارگیری و ترکیب پر و خالی فضاها نیز ایجاد شده است. نقشه تهیه شده از روی تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ مشخص می‌کند که چگونه دانه‌های عمدتاً درون‌گرایی محدوده مورد مطالعه با نظمی ارگانیک در کنار یکدیگر قرار گرفته و در نهایت بافتی یکپارچه و در عین حال غیرتکراری و غیریکنواخت را شکل داده‌اند. این کنار هم قرارگیری و نتیجه آن، که بافتی یکپارچه است، مقیاسی شهری دارد و در عین حال مقیاسش از خطوط و عناصر اصلی شکل‌دهنده محدوده همچون گذرها و حصار شهر و قلعه کوچک‌تر است. از این رو می‌توان الگوی قابل مشاهده در نقشه حاصل از کنار هم قرارگیری دانه‌ها را نمایشی از بافت یا الگوی میانی این محدوده شهری تلقی کرد. این تصویر و ترکیب یکپارچه فضاهای پر و خالی این منطقه تاریخی در نقشه وضع موجود به‌طور واضحی دچار تغییر شده است؛ زیرا پس از ایجاد خیابان علوی که تخریب‌های بسیاری را به دنبال داشته و محدوده و به‌خصوص محله سلطان امیر احمد را به دو بخش منفک از هم تبدیل کرده است، ساخت‌وسازهای جدید بی‌توجه به سطح پوشش و ترکیب پر و خالی بناهای تاریخی و الگوی بافت محدوده به انجام رسیده است (تصویر ۸).

واکوی دقیق‌تر صورت گرفته بر روی محله سلطان امیر احمد نشان می‌دهد که محدوده‌ای در حدود ۵/۷ هکتار از مساحت ۱۸/۶۳ هکتاری این محله از نظر بافت یا الگوی میانی شهر دچار آسیب و تخریب شده است. در پی این رخداد، سطح پوشش و ترکیب پر و خالی بناهای جدید محدوده، بافتی متفاوت و البته ناهماهنگ با ساختار یکپارچه قابل شناسایی تا دهه ۱۳۳۰ را رقم زده‌اند. این مسئله را به‌ویژه می‌توان در قسمت‌های شرقی قلعه جلالی، خانه بروجردی‌ها و زیارتگاه سلطان امیر احمد مشاهده کرد؛ و همچنین در قسمت جنوبی محله که امروزه در سوی شرقی خیابان علوی قرار گرفته است. علاوه بر این، جدای از حدود ۳۱ درصد مساحت کل بافت این محله که دچار تخریب و تغییر شده، ساخت‌وسازها بر روی گورستان و بخش شمال غربی آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ساخت‌وسازها بر روی گورستان به‌طور واضح نمونه‌های ناهماهنگی با فضای پیرامونی خود محسوب می‌شوند. اختصاص بیشتر فضا برای ساخت‌وساز و کم‌اهمیت شدن فضاهای باز و همچنین به‌کارگیری الگوهای معماری برون‌گرا در بناهای جدید، عمده تحولاتی است که در الگوی پر و خالی توسعه و ساخت‌وساز در گورستان صورت گرفته است و باعث شده بافت نامتجانسی در محدوده گورستان شکل بگیرد (تصویر ۹).

در عین حال در بناهای واقع در شمال غربی محله که ساخت آن‌ها از اوایل دهه چهل شروع شده است، می‌توان مواردی را مشاهده کرد که در آن‌ها تا حدودی الگوهای اصیل پر و خالی رعایت شده‌اند. نتیجه، شکل‌گیری بافتی است که آسیب کمتری به محدوده رسانده است. مسئله تغییر الگوی میانی یا تخریب بافت به سبب تغییر الگوهای ساخت‌وساز، در سرتاسر محدوده مورد مطالعه قابل مشاهده است. در عین حال این مسئله در غرب مجموعه خانه‌های عباسیان، جنوب خانه گلی، جنوب غربی گذر سنگ‌پلویی و غرب محله ترک‌آباد در محدوده مورد مطالعه و همچنین در بخش شرقی خیابان علوی و در محله گریچه و جنوب غربی خانه سجادی در محله کوشک صفی مشهودتر است (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

۳.۵. بررسی ویژگی‌های بصری

مقصود از ویژگی‌های بصری، خصوصیات شاخص ساختارهای معماری و بناهاست که بنا بر سنن و فنون ساخت، مشابهت‌هایی در آن‌ها دیده می‌شود و در عین حال به‌واسطه تفاوت کاربری و اندازه و موقعیت می‌توان برای آن‌ها تنوع و گوناگونی در نظر گرفت. مجموعه‌ای از این طیف متنوع از بناها، فضاهای شهری و یا ساخته‌های مشابه را می‌توان به‌عنوان الگوهای خرد محله یا محدوده شناسایی کرد. برای درک بهتر این بناها و الگوها یا ویژگی‌های بصری‌شان توجه به خصوصیات همچون مقیاس، سبک، مصالح، رنگ و تزیینات ضروری است. با باقی ماندن برخی بناهای تاریخی مانند خانه بروجردی‌ها، خانه طباطبایی، زیارتگاه سلطان امیر احمد، حمام سلطان امیر احمد و خانه عامری‌ها



مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۲ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۶۸

تصویر ۸: نقشه بافت و پر و خالی محدوده مورد مطالعه



تصویر ۹: بررسی وضعیت پر و خالی بافت محله سلطان امیر احمد



تصویر ۱۰: نقشه پر و خالی بافت محله ترک آباد در این محدوده



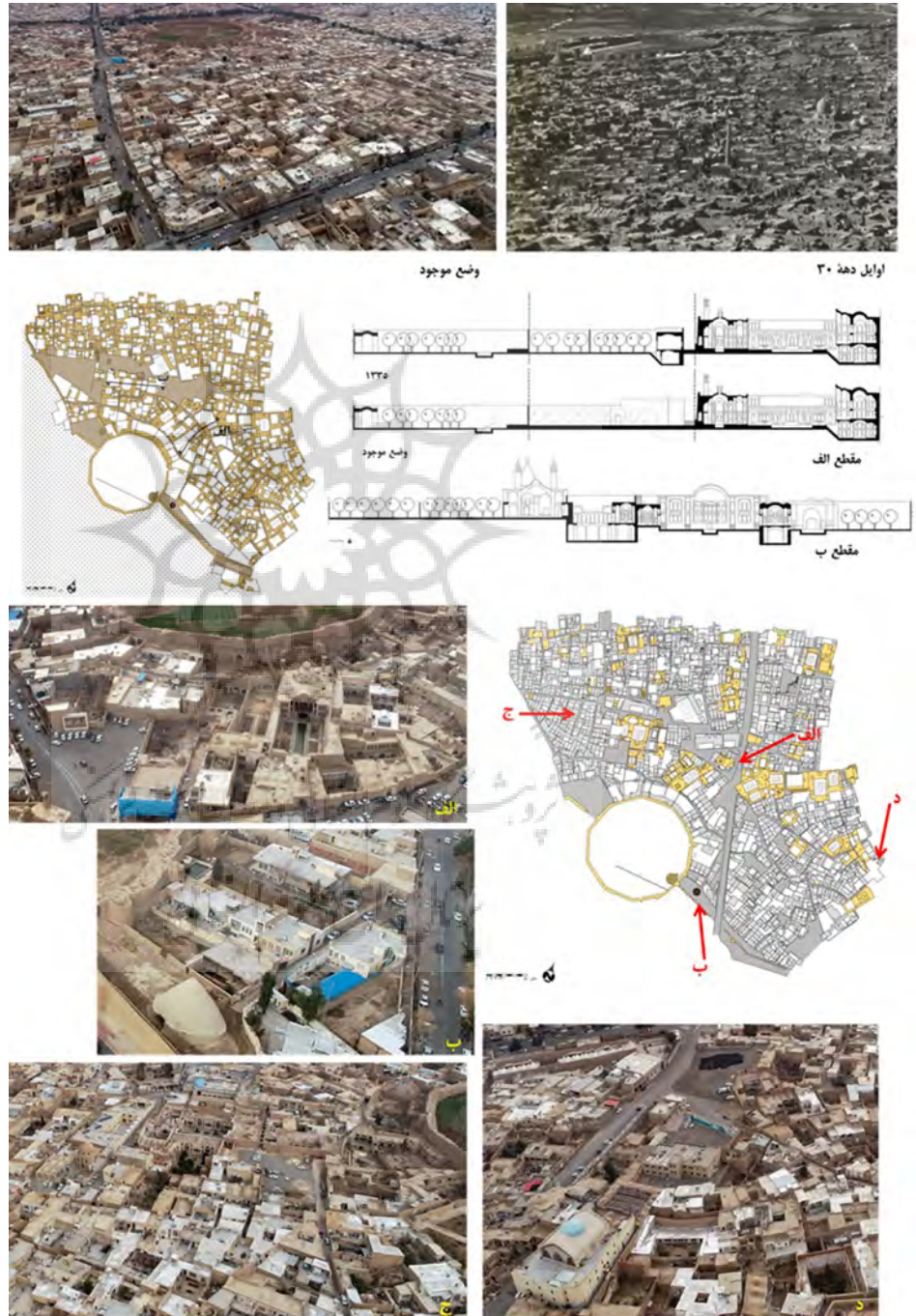
تصویر ۱۱: نقشهٔ پر و خالی بافت محله‌های گریچه (راست) و کوشک صفی (چپ) در این محدوده

تا حدودی می‌توان به درک درستی از خصوصیات بصری آن‌ها و الگویی که دارند دست یافت. باید توجه داشت که از کنار هم قرارگیری بناها و فضاهایی در مقیاس خرد، یکپارچگی بافت شهری محله حاصل می‌شود. اما نکتهٔ مهم توجه به یکپارچگی عناصر معماری و دانه‌های تشکیل‌دهندهٔ بافت شهری است؛ مثلاً اینکه اجزای سازندهٔ این بناها از نظر طرح و سبک و مصالح و رنگ و تزیینات با یکدیگر کلی به‌هم‌پیوسته و یکپارچه را شکل می‌دهند و اینکه این دانه‌ها در ترکیبی محدود و مثلاً هر دانه در کنار عناصر بلافاصل خود می‌توانند شکلی از یکپارچگی از نظر طرح و سبک و مصالح و رنگ و تزیینات را بازنمایی کنند. نحوهٔ ترکیب و کنار هم قرارگیری یک خانه با خانه‌های پیرامون بلافاصل و همچنین این نکته که اجزای یک خانه از جمله بناها، حیاط و گودال باغچه و اجزایی مانند حوض و باغچه‌ها و یا بادگیر و اشکال گوناگون سقف تا چه اندازه می‌توانند بخش‌هایی از یک کل به‌هم‌پیوسته باشند، موضوعی است که در ارزیابی یکپارچگی باید مدنظر قرار بگیرد.

تصویر اوایل دههٔ ۱۳۳۰ خورشیدی محله که در آن حصار سلجوقی و قلعهٔ جلالی نیز مشخص‌اند، یکپارچگی محدودهٔ مورد مطالعه را نشان می‌دهد. این وضعیت به‌ویژه در مقایسه با تصویر وضع موجود نشان می‌دهد که احداث خیابان‌ها چطور منطقه را چندپاره کرده‌اند. در مقطع «الف» مشخص شده که خیابان علوی در جنوب غربی خانهٔ عامری‌ها چه میزان تخریب ایجاد کرده، کدام دانه‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده و چگونه نظم بصری منطقه را بر هم زده است. در عین حال در مقطع «ب» هماهنگی بصری حاصل از کنار هم قرارگیری خانهٔ طباطبایی و زیارتگاه سلطان امیر احمد نشان داده شده است. این مقطع همچنین به شناخت شکل تاریخی طاق‌ها، بازشوها، سبک و مقیاس بناهای اصیل محدوده کمک می‌کند و خصوصیات را بازنمایی می‌کند که در بناهای امروزی محله و محدوده رعایت نشده‌اند (تصویر ۱۲).

در تصویر ۱۲ مثال‌های دقیقی از بر هم خوردن نظم بصری منطقه نیز نشان داده شده است. تخریب و ساخت‌وسازهای شکل‌گرفته در شرق و جنوب شرقی خانهٔ بروجردی‌ها و تخریب و نوسازی‌های انجام‌گرفته در جنوب غربی و شمال خانهٔ طباطبایی، همگی تصویرگر ناهماهنگی‌های بصری و بر هم خوردن یکپارچگی و پیوستگی بصری ناحیهٔ مورد مطالعه هستند. در بناهای جدید توجهی به مقیاس‌های بناهای اصیل منطقه نشده است و بعضاً یک پلاک تاریخی به پنج واحد جدید تبدیل شده است. علاوه بر این، سبک این بناها نیز متفاوت از بناهای تاریخی محدوده است و الگوهایی مانند طاق‌های گنبدی‌شکل، ترکیب گچ و کاهگل در مصالح و تزیینات بناهای تاریخی در بناهای جدید دیده نمی‌شود.

از شاخص‌ترین مواردی که باعث ایجاد اغتشاش بصری در این محدوده شده، می‌توان به حسینیه صدره و سرفره اشاره کرد که با تخریب تکیه پیشین و با ارتفاع و سبکی نامتعارف صورت گرفته است. همان‌گونه که اشاره شد، در بناهای شمال غربی محله سلطان امیر احمد تا حدودی الگوهای اصیل بناهای محدوده رعایت شده‌اند.



تصویر ۱۲: وضعیت ظاهر هندسی محدوده مورد مطالعه

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۲ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۴.۵. رابطه محله با محیط پیرامون

همان گونه که نقشه تهیه شده از روی تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ نشان می‌دهد (تصویر ۱۳)، منطقه مورد مطالعه شامل محله سلطان امیر احمد است که با محلات ترک‌آباد و سوريجان، گریچه و سرفره-کوشک صفی دارای ارتباط و تعامل بوده است. این محله‌ها هرکدام دارای ساختار یکپارچه‌ای بوده‌اند و این ساختار یکپارچه در تعاملات اجتماعی و فرهنگی این محدوده تأثیر بسزایی داشته است. برای مثال محله سلطان امیر احمد از طریق گذر سرفره با محله سرفره-کوشک صفی در ارتباط بوده است و از طرفی محله‌های ذکر شده، پیرامون گورستان سلطان امیر احمد شکل گرفته‌اند. در این بخش عمده فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و حتی اقتصادی محدوده جریان داشته است، وجود زیارتگاه سلطان امیر احمد، بقعه چهل دختران، آب‌انبار، مسجد و حمام امیر احمد و همچنین کارگاه‌های شعربافی باقی‌مانده گویای این مطلب است. محله‌های ترک‌آباد و سوريجان و گریچه در شمال و شمال شرقی قبرستان و سرفره-کوشک صفی در جنوب شرقی قبرستان شکل گرفته‌اند. گذر سنگ‌پلویی از شمال گورستان به گذر و مسجد سوريجان وصل شده و به نوعی این دو مرکز محله را به یکدیگر متصل کرده است. امتداد گذر کوشک صفی و معبری که در جنوب زیارت گریچه واقع شده نیز به گورستان می‌رسیده‌اند. در واقع این مسیرها راه‌هایی هستند که یکپارچگی اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی محدوده را در کنار یکپارچگی کالبدی آن حفظ می‌کرده‌اند. امتداد گذر کوشک صفی از گورستان آغاز شده و به مرکز محله کوشک صفی که دارای مسجد، آب‌انبار و سیبک بوده ختم می‌شده است. امتداد گذر سرفره نیز که در مسیر خود همجوار با آب‌انبار سرفره و تکیه صدره و سرفره است، به گذر صدره اتصال دارد و در نهایت به محدوده‌ای در شمال بقعه سلطان عطابخش ختم می‌شود. به سبب وجود تکیه صدره و سرفره، گذر سرفره سالیان متمادی میزبان مراسم محرم بوده است؛ بدین شکل که نخل این هیئت که گفته می‌شود در سال ۱۰۵۰ شمسی تشکیل شده، از این گذر به سمت زیارت سلطان امیر احمد حرکت می‌کرده و سپس به سمت سایر زیارتگاه‌ها و مساجد حمل می‌شده است.^۷ این مراسم را می‌توان یکی از نمونه‌های آشکار یکپارچگی اجتماعی، فرهنگی و مذهبی محدوده‌ها برشمرد.

همان گونه که تصویر وضع موجود محدوده (تصویر ۱۳) نشان می‌دهد، ترکیب و فرم یکپارچه محله‌های سلطان امیر احمد و ترک‌آباد و سوريجان تا حدودی حفظ شده‌اند. اما احداث خیابان علوی به‌طور کامل محله‌های گریچه، سرفره-کوشک صفی و قسمتی از محله سلطان امیر احمد را از محدوده بزرگ‌تر غربی که امروزه شامل ترکیبی از قلعه، بخشی از محله‌های ترک‌آباد و سوريجان و سلطان امیر احمد و مرکز آن می‌باشد، جدا کرده است. ایجاد گسست حاصل شده در محدوده بر تعاملات اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی آن تأثیرگذار بوده است. ارتباط معبری که از جنوب زیارتگاه گریچه به مرکز محله سلطان امیر احمد وصل می‌شده و همچنین ارتباط گذرهای کوشک صفی و سرفره نیز با این مرکز محله قطع شده‌اند. محدوده دیگر به شکل یک محدوده یکپارچه دیده نمی‌شود و به دو قسمت جدا از هم تبدیل شده که این موضوع به دلیل ایجاد خیابان علوی با تخریب‌های بسیاری نیز همراه بوده است. بررسی‌های صورت گرفته نشان داد میزان تخریب‌ها به حدی بوده که امروزه ساختار اصیل گذر سرفره به سختی قابل تشخیص است. در این میان، مطالعات صورت گرفته پیشین نیز حاکی از آن است که اگرچه احداث خیابان علوی باعث افزایش نفوذپذیری و دسترسی‌ها به عمق محله سلطان امیر احمد شده، به دلیل دسترسی بهتر از قدرت نفوذ مرکز محله سلطان امیر احمد در نسبت با محورهای اطراف کاسته است. در این وضعیت، مرکز قدیمی با از دست دادن مرکزیت انسجام محله به یک مرکز درجه دو تبدیل شده است. در واقع می‌توان گفت که خیابان علوی با نفوذی که در محدوده ایجاد کرده و با توجه به ساختار خطی و شکل مستقیم خود، به در دسترس‌ترین مسیر در محدوده سلطان امیر احمد تبدیل شده است و نقش یک مرکز محله جدید را در محدوده یادشده پیدا کرده و متعاقب آن، مرکز محله اصلی و قدیمی را به حاشیه رانده است (سیدهاشمی و جیحانی ۱۳۹۹، ۴۳). در عین حال، مراسم مرتبط با تکیه سرفره را می‌توان یکی از معدود ویژگی‌هایی دانست که با وجود آسیب‌های ذکر شده، در بستر گسسته و آسیب‌دیده محدوده همچنان جریان دارد و تا حدی به یکپارچگی میان محله سلطان امیر احمد و محدوده‌های شهری واقع در شرق آن کمک می‌کند.



تصویر ۱۳: ارتباط محله سلطان امیر احمد با محیط پیرامون

۵.۵. بررسی کارکردها

پس از سکونت، شاخص‌ترین کارکردی که در این محدوده هنوز جریان دارد، حاصل تداوم بهره‌گیری از فضاهای مذهبی است. در این محدوده دو زیارتگاه مفصل سلطان امیر احمد و گریچه واقع شده‌اند. در گذر حاج‌شیخ زیارتگاه دیگری قرار دارد.^۸ علاوه بر این، پنج تکیه و هشت مسجد شاخص و زیارتگاه‌های کوچک دیگری نیز در محدوده قرار گرفته‌اند. همچنین باید توجه داشت که جلوه‌های مذهبی زیارتگاه سلطان امیر احمد به اندازه‌ای است که ابعادی فراتر از محله دارد و از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری دینی و زیارتی کاشان نام برده می‌شود (فلاح‌تبار ۱۳۹۲، ۱۵۴-۱۵۵). آیین نخل‌گردانی و نخل حسینیه صدره و سرفره نیز که بدان اشاره شد، ثبت ملی شده و هر ساله میزبان عزاداران بی‌شماری است. جدای از سه حمام و هشت آب‌انباری که سال‌ها نیاز ساکنان ناحیه را برطرف کرده‌اند، به مدارس می‌توان اشاره کرد که روزگاری از اولین مدارس کاشان محسوب می‌شده‌اند، مانند مدارس محمدیه و طلعتیه در محله سلطان امیر احمد،^۹ و یا مدرسه پروین (خانه نبوی). مدرسه پروین از معدود مدارس تاریخی است که در محدوده محله سرفره-کوشک صفی باقی مانده. در گذر حاج‌شیخ هنوز می‌توان مجموعه‌ای از کاربری‌های مسکونی، مذهبی و فرهنگی را در کنار یکدیگر مشاهده کرد؛ این مجموعه شامل خانه‌های تاریخی خداخواه، سیحانی و مازندرانیان، تکیه، مسجد و حمام حاج‌شیخ، و مدرسه پروین (خانه نبوی) می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهند اولین و مهم‌ترین کاربری محدوده زیارتگاه سلطان امیر احمد و گورستان بوده است که به واسطه آن بقعه چهل دختران و آرامگاه‌هایی نظیر ابریشمی، سنگ‌پلویی و میرابوالقاسم امام نیز شکل گرفته و همچنان باقی مانده‌اند. خانه‌ها و فضاهایی که برای رفع نیازها و رفاه مردم ساخته شده‌اند مانند آب‌انبارها، یخچال‌ها، حمام‌ها، مدارس، تکیه و مساجد ساخت‌وسازها و کاربری‌های بعدی هستند که در بیشتر محله‌های تاریخی کاشان نیز مشاهده می‌شوند. در این میان، در کنار کارکردهای فضاهای تجاری مانند مغازه‌های گذرهای سرفره، کوشک صفی و یا سوريجان که بعضاً از رونق سابق نیز برخوردار نیستند، مهم‌ترین کارکرد محدوده بعد از کاربری‌های مسکونی و مذهبی را می‌توان مربوط به کارگاه‌های شعربافی دانست که تعداد زیادی از آن‌ها هنوز در محدوده باقی مانده‌اند. اگرچه بسیاری از این کارگاه‌ها از رونق سابق برخوردار نیستند و یا بدون کاربری و فرسوده‌اند، نشان‌دهنده جنبه اقتصادی محله و تأکیدی بر رونق سابق آن هستند.

در این منطقه بخشی از آسیب‌های وارد شده به کارکردها را نمی‌توان جدا از آسیب‌های کالبدی دانست؛ تخریب‌های حاصل از احداث خیابان علوی و رهاشدگی فضاها به ناپودی کامل آن‌ها انجامیده است. در فضای گورستان به شکل کاملی ساخت‌وساز صورت گرفته و می‌توان ساخت مدارس و درمانگاه را از نظر کالبدی ناهماهنگ برشمرد؛ اما هر دو کاربری افزوده شده در مقیاس محله تعریف شده‌اند و احتمالاً تلاشی در جهت بهبود وضعیت پیش از نیم‌قرن اخیر هستند. اگرچه خانه‌های تاریخی بسیاری در این منطقه باقی مانده‌اند، کمتر توجهی به اهمیت شکل شهری این فضاها و ترکیب کاربری آن‌ها با آب‌انبارها، حمام‌ها، مدارس، تکیه و مساجد می‌شود. برای مثال و همان‌گونه که بیان شد، از مجموعه تاریخی چاله‌عدسی تنها یک مسجد فعال باقی مانده است. امروزه این ناحیه را می‌توان یکی از مهم‌ترین ناحیه‌های گردشگری کاشان دانست؛ قلعه جلالی، خانه بروجردی‌ها، مجموعه عامری‌ها، خانه طباطبایی، مجموعه عباسیان، خانه بنی‌کاظمی، حمام سلطان امیر احمد، آب‌انبار کوشک صفی و بقعه چهل دختران به‌عنوان مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری تاریخی، فرهنگی و مذهبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.^{۱۰}

در یک ارزیابی کلی به نظر می‌رسد تعداد پرشماری از کاربری‌های مرتبط با معیشت همچون کارگاه‌های شرع‌یافی که انبوهی از آن‌ها در غرب محدوده و به‌خصوص در جنوب گذر سوریجان و در جنب بقعه چهل دختران قرار داشته‌اند، تخریب شده و بقیه نیز کاربری خود را از دست داده و تعداد انگشت‌شماری به‌صورت فعال باقی مانده‌اند. لذا ضعف محدوده از نظر کارکردها را می‌توان در تضعیف کارکرد صنعتی محله و محدوده‌های شهری پیرامونش برشمرد. کاربری مسکونی در سطح محدوده اگرچه تضعیف شده، هنوز جریان دارد و از بسیاری محدوده‌های شهری دیگر وضعیت بهتری دارد. لذا وضعیت آن قابل قبول است و مشکل عمده نه در کارکرد مسکونی محله که در عدم برنامه مشخص برای حفظ خانه‌ها مشاهده می‌شود. کارکرد مهم دیگر محله و محدوده شهری پیرامونش بر وجود شبکه‌ای از زیارتگاه‌ها و حسینیه‌ها و بناهای مذهبی استوار است که به‌خوبی تاکنون تداوم داشته است. این نکته مثبت بر یکپارچگی محدوده و کیفیت آن می‌افزاید. اما در عین حال خود مشکل دیگری را نیز ممکن است ایجاد کند. رونق این کاربری‌ها به‌طور مداوم این میل را ایجاد و تشدید کرده است که مراکز یادشده توسعه داده شوند. این جنبه آسیب‌رسان است و گاه آسیب‌های بسیار جدی ایجاد کرده است؛ مثلاً حسینیه صدره و سرفره به‌طرز بسیار نامناسب و در ابعادی فراتر از ابعاد محلی توسعه یافته است. این نحوه توسعه در بناهای مذهبی و زیارتگاهی دیگر هم دیده می‌شود؛ به‌نحوی که یکپارچگی محله و محدوده را تضعیف می‌کنند. اما گاه توسعه با تغییرات درونی همراه است. مثلاً تعمیرات مداوم باعث تغییر بافت اصیل برخی بخش‌های زیارتگاه‌ها شده‌اند؛ از جمله این تغییرات می‌توان به تغییر و جایگزینی کاشی‌های ازاره زیارتگاه سلطان امیر احمد اشاره کرد. کاشی‌های یادشده عمدتاً الواح کاشی قبوری از دوره صفوی و قاجار بوده‌اند که در گذشته برای حفظ بهتر در دیوار و به‌عنوان آزاره نصب شده‌اند. حذف این کاشی‌ها هم آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد و هم جنبه‌هایی از اصالت زیارتگاه و کارکرد تاریخی آن را مخدوش می‌کند.

۶.۵. بررسی روح و هویت مکان

مطالعات صورت گرفته نشان داد که تلفیقی از ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی و اقتصادی به تعریف محدوده مورد مطالعه کمک می‌کنند. قرار گرفتن زیارتگاه سلطان امیر احمد، قلعه جلالی، خانه‌های بروجردی‌ها، طباطبایی، بنی‌کاظمی، تاج و جویایی، مجموعه‌های عامری‌ها و عباسیان، مسجد سوریجان، آب‌انبارهای گریچه و ترک‌آباد، حمام سلطان امیر احمد و کارگاه‌های شرع‌یافی در این منطقه به‌نوعی راوی تاریخ این منطقه از دوران سلجوقی تا عصر حاضر است. باقی ماندن دانه‌های تاریخی در این منطقه باعث شده است هنوز بتوان ترکیب‌های فضایی شهر تاریخی، مانند گذر حاج شیخ و مرکز محله‌های سلطان امیر احمد، سوریجان و کوشک صفی را مشاهده و بررسی کرد؛ هرچند که عواملی مانند احداث خیابان علوی و یا احداث بناهایی مانند حسینیه اعظم و حسینیه صدره و سرفره موجب بر هم خوردن یکپارچگی و پیوستگی محدوده شده‌اند. بدون بررسی‌های تاریخی صورت گرفته، محله سلطان امیر احمد را دیگر نمی‌توان به‌عنوان یک محله واحد و یکپارچه شناخت و نمی‌توان به درک درستی از ارتباط شهری یکپارچه و پیوسته محله‌های مورد مطالعه رسید. آنچه به‌ویژه در این منطقه لازم است، دیده شدن هویت آن به‌عنوان یک محدوده تاریخی در راستای شناخت شهرهای

تاریخی است که ارزشی فراتر از دیده شدن هر بنا به صورت و شکلی واحد است. از طرفی اهمیت حفظ کاربری بناها نیز نباید نادیده گرفته شوند، به‌ویژه آیین نخل‌گردانی حسینیّه صدره و سرفره و صنعت شعربافی که در این محدوده نقش پررنگی را ایفا می‌کرده است. این فن نه تنها بخش هویت‌بخش این منطقه بوده است که به‌عنوان اولین و مهم‌ترین صنایع دستی مردم کاشان شناخته می‌شود و متأسفانه با رشد صنایع ماشینی رو به افول نهاده است.^{۱۱}

۷.۵. بررسی فنون سنتی ساخت

مجموعه‌ای از فنون سنتی ساخت را می‌توان در این ناحیه مورد بررسی و مطالعه قرار داد. خانه‌ها، زیارتگاه‌ها، آب‌انبارها، یخچال‌ها، مساجد و تکایا، حمام‌ها و کارگاه‌ها مجموعه‌ای از فنون ساخت و ظرافت‌های مرتبط با آن را در این ناحیه گرد هم آورده‌اند. بسیاری از این فنون تا به امروز تداوم نداشته و یا در صورت ادامه از ظرافت اولیه خود مانده‌اند. همچنین فضاهایی مانند آب‌انبارها، یخچال‌ها، حمام‌ها و کارگاه‌های شعربافی به دلیل عدم تداوم کاربردشان در معرض نابودی کامل هستند و ادامه تمایل به ساخت حسینییه‌های بزرگ‌مقیاس و نامتعارف، شناخت معماری تکیه‌های تاریخی را غیرممکن خواهد کرد. در عین حال باید به فنون ساختمانی در مقیاس شهری نیز توجه کرد. عرض گذرها، نحوه ساخت ساباط‌ها، ترکیب فضاها و چشم‌اندازهای یکپارچه و پیوسته همگی مواردی هستند که به‌طور کامل در شهر امروز نادیده گرفته می‌شوند. در این میان، وجود قلعه جلالی و بخش‌هایی از حصار سلجوقی، شناخت شکل ارزشمندی از این آثار و ترکیب شهری آن‌ها را میسر کرده است. تصویر امروزی منطقه نشان می‌دهد که فنون سنتی به کار گرفته شده در بناها و شهر تاریخی رو به فراموشی نهاده است. رعایت نکردن همین فنون در نهایت به برهم خوردن یکپارچگی محدوده نیز منجر شده است. بی‌توجهی به دلایل عرض کم گذرها، وجود ساباط‌ها، فضاهای درون‌گرا و اهمیت شکل و هماهنگی فضاها به آنچه منتهی شده که در ساخت‌وسازهای جدید محدوده مورد بررسی قرار گرفت.

۸.۵. بررسی سنت‌های فرهنگی

آیین نخل‌گردانی حسینیّه صدره و سرفره را می‌توان قدیمی‌ترین سنت فرهنگی این محدوده برشمرد که همچنان با شور و اشتیاق فراوان هر ساله اجرا می‌شود. در عین حال حسینییه‌های دیگر منطقه مانند حسینیّه حاج‌شیخ و حسینیّه اعظم چاله‌عدسی نیز هر ساله میزبان مراسم محرم هستند. در این میان، این نکته قابل بیان است که وجود زیارتگاه سلطان امیر احمد و زیارتگاه گریچه و در کنار آن‌ها بقعه چهل‌دختران و گورستان که تنها آرامگاه‌های ابریشمی، سنگ‌پلویی و میرابوالقاسم امام از آن باقی مانده، تصویرگر مهم‌ترین بخش فرهنگی محدوده یعنی آیین زیارت و به‌ویژه زیارت امامزادگان است. مساجد محدوده مانند مسجد قاسم‌بیک، بلال، سوریجان و حاج‌شیخ نیز آیین عبادت جمعی را زنده نگه داشته‌اند. این آیین‌ها در بقای منطقه تأثیر بسزایی دارند و موجب رونق آن و تداوم جریان زندگی می‌شوند. همان‌گونه که آیین نخل‌گردانی حسینیّه صدره و سرفره همچنان مسیر و گذری را یادآور است که امروزه از لحاظ کالبدی تقریباً از بین رفته است. از طرفی اهمیت حفظ و احیای هنر و فن شعربافی نیز که زمانی در این محدوده نقش پررنگی داشته، غیرقابل چشم‌پوشی است. این هنر در عهد سلاجقه به حداکثر رونق و ترقی رسیده بود؛ همچنین جهانگردانی نظیر شاردن فرانسوی اشاره کرده‌اند که اساس ثروت و حیات مردم کاشان از صنایع نساجی و ابریشم‌بافی بوده است (نراقی ۱۳۴۵، ۲۱۹-۲۱۴).

۶. بحث و تحلیل یافته‌ها

با توجه به اسناد و تصاویر تاریخی به‌ویژه تصویر هوایی سال ۱۳۳۵، شناخت شکلی از محدوده تاریخی سلطان امیر احمد کاشان تا پیش از دگرگونی‌های شهری معاصر میسر شد. مطالعات نشان‌دهنده محدوده‌ای یکپارچه است. این موضوع به‌ویژه با بررسی هشت ویژگی شهری الگوهای کلان، بافت یا الگوهای میانی، ویژگی‌های بصری، رابطه محدوده با محیط، کارکردها، روح و هویت مکان، تکنیک‌ها سنتی و سنت‌های فرهنگی قابل درک است. ویژگی‌هایی که با توجه به اسناد و منشورهای بین‌المللی در یکپارچگی و پیوستگی محدوده‌های تاریخی تأثیرگذار هستند. این محدوده دارای سه گذر اصلی سرفره، سوریجان و سنگ‌پلویی بوده است که به قلب محدوده یعنی مرکز محله سلطان امیر احمد ختم می‌شده‌اند. ترکیب پر و خالی فضاها در این محدوده به‌صورت درون‌گرا بوده و ساختار بصری یکپارچه‌ای از کنار هم

قرارگیری فضاهایی مانند خانه بروجردی‌ها، خانه طباطبایی، زیارتگاه سلطان امیر احمد و حمام سلطان امیر احمد وجود داشته است؛ محله‌های مورد مطالعه پیرامون گورستان سلطان امیر احمد شکل گرفته بوده‌اند و تعاملات اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی میان آن‌ها برقرار بوده است. این موضوع به‌ویژه توسط گذرهای اصلی محدوده ممکن می‌شده است. از مهم‌ترین کارکردهای این محدوده به کاربری‌های مذهبی و اقتصادی می‌توان اشاره کرد. کاربری‌هایی که نقش بسزایی در تعریف ماهیت و سنت‌های فرهنگی این محدوده داشته‌اند.

در این میان، عمده‌ترین دگرگونی شهری این محدوده احداث خیابان علوی است که محدوده را به دو بخش جدا از هم تبدیل کرده است. پس از ایجاد این خیابان، ۳۱ درصد از کل مساحت محله سلطان امیر احمد دچار تخریب و نابسامانی شده است. در کنار این عامل، بی‌توجهی به الگوهای میانی و ویژگی‌های بصری محدوده مورد مطالعه موجب نوسازی‌های ناهماهنگ شده و یکپارچگی منطقه بیش از پیش از بین رفته است. این مسئله به‌ویژه در قسمت‌های شرقی قلعه جلالی، خانه بروجردی‌ها، زیارتگاه سلطان امیر احمد و همچنین غرب مجموعه عباسیان، جنوب خانه گلی، جنوب غربی گذر سنگ‌پلویی و غرب محله ترک‌آباد در این محدوده، بخش شرقی خیابان علوی در محله گریچه و جنوب غربی خانه سجادی در محله کوشک صفی قابل مشاهده است. در کنار این موارد ساخت‌وسازهای نامتعارفی نظیر حسینیه اعظم و حسینیه صدره و سرفره نیز غیرقابل چشم‌پوشی هستند. بعد از احداث خیابان علوی و عبور آن از شرق مرکز محله سلطان امیر احمد، محله به دو محله جدا از هم تبدیل و تعاملات مرکز محله آن نیز به حاشیه خیابان علوی رانده شده است. در عین حال مهم‌ترین آسیب کارکردی محدوده بی‌توجهی به شناخت و حفظ کاربری بناهایی مانند کارگاه‌های شعربافی، آب‌انبارها، حمام‌ها و یخچال‌هاست که تخریب کامل آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. بیشتر نوسازی‌های این محدوده را می‌توان فاقد کیفیت‌های حداقلی دانست و به‌طور کلی اکنون ماهیت اصیل و یکپارچه این منطقه با آنچه از مطالعات تاریخی حاصل شد، فاصله آشکاری دارد.

نتیجه

محدوده مورد مطالعه که شامل محله سلطان امیر احمد و قسمت‌هایی از محله‌های ترک‌آباد و سوريجان، گریچه و سرفره-کوشک صفی می‌شود، هنوز دارای ساختار کالبدی و کارکردی اصیلی است. حفظ و باقی ماندن دانه‌های ارزشمند به این موضوع کمک کرده است. باقی ماندن عناصر ارزشمند باعث شده همچنان بتوان ترکیب‌های یکپارچه و پیوسته‌ای از ویژگی‌های اصیل شهری این منطقه را مشاهده و بررسی کرد، مانند آنچه در مرکز محله‌های سلطان امیر احمد، سوريجان و کوشک صفی و یا گذر حاج‌شیرخ شاهد هستیم، ترکیبی از فضاهای مسکونی، خدماتی، فرهنگی و البته مذهبی. در عین حال مطالعات صورت‌گرفته نشان داد که از اوایل دهه ۱۳۳۰ شمسی تاکنون این محدوده با تحولات فراوانی مواجه بوده است. از عمده‌ترین این تحولات احداث خیابان‌ها به‌ویژه احداث خیابان علوی است. احداث این خیابان با تخریب‌های بسیاری در محدوده مورد مطالعه همراه بوده و این منطقه را به دو قسمت منفک از هم تبدیل کرده است. به‌دنبال تخریب‌های صورت‌گرفته، شاهد تغییر در الگوهای پر و خالی و ویژگی‌های بصری محدوده نیز هستیم. فضاهایی مانند کارگاه‌های شعربافی، حمام‌ها، آب‌انبارها و یخچال‌ها دیگر رونق سابق را ندارند و عدم کاربری، نابودی آن‌ها را به دنبال داشته است. در این منطقه مانند بسیاری از مناطق تاریخی کاشان دیگر از فنون سنتی ساخت استفاده نمی‌شود و کمتر ساخت‌وساز جدیدی را می‌توان هم‌تراز با ساخت‌وسازهای اصیل محدوده دانست.

در نتیجه درست است که هنوز ترکیب‌های فضایی مانند خانه‌های تاریخی خداخواه، سبحانی و مازندرانیان، تکیه، مسجد و حمام حاج‌شیرخ، و مدرسه پروین (خانه نبوی) را در گذر حاج‌شیرخ یا خانه‌های بروجردی‌ها، طباطبایی و مرتضوی، زیارتگاه سلطان امیر احمد، بقعه چهل دختران، آب‌انبار، مسجد و حمام سلطان امیر احمد و همچنین کارگاه‌های شعربافی را در مرکز محله سلطان امیر احمد شاهدیم، و آیین‌های مانند نخل‌گردانی حسینیه صدره و سرفره و زیارت سلطان امیر احمد نیز همچنان رونق‌بخش محدوده‌اند، با توجه به ارزیابی‌های صورت‌گرفته بر مبنای دیاگرام بررسی معیارهای یکپارچگی و پیوستگی محدوده‌های تاریخی، دیگر نمی‌توان هویت ناحیه مورد مطالعه را در مقایسه با شکل اصیل آن،

که از دهه ۱۳۳۰ شمسی قابل شناسایی است، به‌عنوان یک کل به‌هم‌پیوسته و یکپارچه برشمرده. آنچه در پایان مشخص است و ضروری می‌نماید، لزوم توجه به اهمیت هویت اصیل و یکپارچه مناطق تاریخی است. ساختارهای شهری که مختص هر ناحیه‌ای هستند و دیگر تکرار نخواهند شد، نیازمند مطالعه، حفاظت و مرمت پیش از هر نوع تغییر بی‌برنامه شهری هستند. همچنین در این‌گونه محدوده‌ها باید در راستای تقویت هرچه بیشتر ویژگی‌های باقی‌مانده کوشید.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: میرزاحسینی ۱۳۹۸.
۲. برای اطلاعات بیشتر نک: قوامی ۱۳۹۶.
۳. چون در قرون اولیه اسلام تا عصر مغول در بلاد شیعه‌نشین، اموات ذکور و اناث سادات را که دارای نسب‌نامه صحیح بوده‌اند، در مقابر جداگانه به خاک می‌سپردند؛ از این جهت و برای تشخیص از یکدیگر اماکنی که مدفن بانوان آن سلسله بوده، به نام چهل‌دختران نامیده و معروف شده است (نراقی ۱۳۴۸، ۴۳۵).
۴. نوشته‌های دن گارسیا دسیلوا فیگوئرا سیاست‌مدار اسپانیایی (دانشنامه کاشان ۱۳۸۵، ۱۴ و ۱۸) و با این مضمون است: «قسمت بسیار کوچکی از شهر که به‌دور آن دیواری کشیده شده، مرکز بافندگان و تهیه‌کنندگان ابریشم است و ثروتمندترین بازرگانان شهر نیز در این قسمت منزل دارند.»
۵. نک: اداره میراث فرهنگی کاشان ۱۳۵۵.
۶. برای اطلاعات بیشتر نک: مؤذنی ۱۳۹۸؛ شکیبا ۱۳۹۴.
۷. برای اطلاعات بیشتر نک: خانمحمدی و یوسفی ۱۳۹۶.
۸. نک: اداره میراث فرهنگی کاشان ۱۳۸۲.
۹. برای اطلاعات بیشتر نک: سادات ۱۳۸۶؛ سادات‌بیدگلی ۱۳۸۸.
۱۰. برای اطلاعات بیشتر نک: فلاح‌تبار ۱۳۹۲.
۱۱. برای اطلاعات بیشتر نک: نیازی و استرکی ۱۳۹۲.

منابع

- اداره میراث فرهنگی کاشان. ۱۳۵۵. پرونده ثبت قلعه جلالی و یخچال‌های مجاور به‌شماره ۱۳۵۰.
- —————. ۱۳۸۲. پرونده ثبت گذر حاج‌شیخ به‌شماره ۹۰۳۶.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۸. *مرآت البلدان*. به‌کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- بهزادفر، مصطفی، مهران علی‌الحسابی، و سمیه فتحی. ۱۳۹۷. تدقیق و بازتعریف شاخصه‌های اتسجام کالبدی - اجتماعی محله در مجموعه‌های مسکونی بلندمرتبه. *نشریه مدیریت شهری* ۱۷ (۵۰): ۲۳۷-۲۵۶.
- بیرشک، ثریا. ۱۳۹۹. *کاشان (روند شکل‌گیری و توسعه شهر کاشان در بستر تاریخ)*. ج ۱. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- جیحانی، حمیدرضا، پوران‌دخت ارزانی، و مهسا محمدقلی‌بیک. ۱۳۹۴. محله سلطان میراحمد کاشان (ساخت محله و مطالعه تغییر و تحولات آن). *پژوهش‌نامه کاشان* ۱ (۶): ۱۱۲-۱۳۹.
- جیحانی، حمیدرضا، و پریچهر شفیعی. ۱۳۹۷. ارزیابی تغییر ساختار فضایی محدوده شهری محتشم کاشان. *کاشان‌شناسی* ۲ (۱۳): ۴۸-۳۱.
- جیحانی، حمیدرضا، و ثمینه صابری. ۱۳۹۹. ارزیابی اصالت در محدوده‌های شهری تاریخی، بر اساس مطالعه و آسیب‌شناسی محله پاقپان کاشان. *فصلنامه اثر* ۴۱ (۹۰): ۳۶۶-۳۹۲.
- جیحانی، حمیدرضا، محمد مشهدی‌نوش‌آبادی، حانیه اویسی، و آذین زیلوچیان. ۱۳۹۹. مطالعه مرکز محله پنجه‌شاه کاشان با تأکید بر نقش زیارتگاه و عناصر معماری و شهری پیرامون. *کاشان‌شناسی* ۸ (۱): ۳۸-۳.

- جیحانی، حمیدرضا، محمد مشهدی‌نوش‌آبادی، آمنه فرهادی‌وند، و زهرا قلندری. ۱۳۹۸. زیارتگاه گلچقانه کاشان، مطالعه و پژوهش‌های معماری و سیر تحول تاریخی آن. *کاشان‌شناسی* ۱ (۱۴): ۸۱-۱۱۴.
- حقیر، سعید، و یلدا شوهانی‌زاد. ۱۳۹۰. چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران. *نشریه باغ نظر* ۸ (۱۷): ۸۱-۹۴.
- حیدری‌سورشجانی، رسول، یونس غلامی، و مهدی موسوی. ۱۳۹۶. بررسی تأثیرات فقر شهری بر ساختار فضایی - کالبدی بافت قدیمی شهرها (مطالعه موردی: محلات سلطان میراحمد و درب‌اصفهان شهر کاشان). *نشریه جغرافیای اجتماعی شهری* ۴ (۱۱): ۴۷-۶۸.
- خانمحمدی، کریم، و محدثه یوسفی. ۱۳۹۶. بررسی انسان‌شناختی پدیده نخل‌گردانی در کاشان (مطالعه موردی: نخل هیئت حسینی در محله سرفره و گذر صدره). *فصلنامه شیعه‌شناسی* ۱۵ (۶۰): ۳۸۷-۳۸۷.
- *دانشنامه کاشان*. ۱۳۸۵. کاشان در آثار سیاحان و خاورشناسان. تهران: بنیاد فرهنگ کاشان.
- رضوی‌زاده، اعظم‌سادات، و علی غفاری. ۱۳۹۸. ارزیابی الگوهای پایدار رفتاری در مرکز محله سلطان میراحمد کاشان با استفاده از تکنیک تحلیل نحو فضا. *نشریه توسعه پایدار شهری* ۱ (۱): ۱۵-۲۶.
- سادات، سید محمود. ۱۳۸۶. بستریابی مدارس نوین کاشان و شناساندن آن‌ها. *مجله گنجینه اسناد* ۱۷ (۴): ۱۹-۳۸.
- سادات‌بیدگلی، سیدمحمود. ۱۳۸۸. تحولات آموزشی فرهنگ کاشان در دوره پهلوی اول: *نشریه پیام بهارستان* ۱ (۴): ۱۱۳۳-۱۱۵۰.
- _____ . ۱۳۹۶. تحلیل نظرگاه سیاحان غربی دوره صفوی و قاجار (مطالعه موردی: شهر کاشان). *کاشان‌شناسی* ۵ (۲): ۳-۳۲.
- سپهر، عبدالحسین. ۱۳۵۵. مختصر جغرافیای کاشان. به کوشش ایرج افشار. *فرهنگ ایران زمین* (۲۲): ۴۳۰-۴۵۸.
- سیدهاشمی، سید جمال، و حمیدرضا جیحانی. ۱۳۹۹. مطالعه تأثیر طرح‌های توسعه شهری بر پیکره‌بندی فضایی محله سلطان میراحمد کاشان. *فصلنامه مطالعات شهری* ۹ (۳۵): ۳۳-۴۶.
- شرقی، علی، مسعود علیمردانی، یوسف جهان‌زمین، و شهرزاد جهان‌زمین. ۱۳۹۶. تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: مرکز محله شهیدگاه اردبیل). *نشریه مدیریت شهری* ۱۶ (۴۷): ۳۰۱-۳۱۶.
- شکیبا، مریم. ۱۳۹۴. نقش مساجد کوچک محلی در احیای زندگی در محله سوربجان کاشان. همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری؛ چالش‌ها و راهکارها. دانشگاه کاشان.
- فلاح‌تبار، نصرالله. ۱۳۹۲. قابلیت‌های توسعه پایدار ناحیه کاشان با تأکید بر گردشگری. *فصلنامه جغرافیا* ۶ (۲۴): ۱۳۷-۱۶۶.
- قوامی، نازنین. ۱۳۹۶. *مطالعات ریخت‌شناسی در حفاظت از بافت تاریخی کاشان*. نمونه موردی: احیای محور علوی کاشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.
- کریمی، فاطمه. ۱۳۶۸. کاشان، در شهرهای ایران. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- کلانترضایی، عبدالرحیم. ۱۳۷۸. *تاریخ کاشان*. به کوشش ایرج افشار. چ. ۴. تهران: امیرکبیر.
- لقمان، مونا، زهرا سعیده‌زرآبادی، و مصطفی بهزادفر. ۱۳۹۸. بررسی تأثیر متقابل مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در محله‌های شهری با استفاده از روش معادلات ساختاری (مورد مطالعه: محله‌های سلطان میراحمد و فین کاشان). *نشریه مطالعات معماری ایران* ۸ (۱۵): ۲۱۷-۲۴۰.
- محمدی‌زاده، نسرين، حمید ماجدی، و زهراسادات سعیده‌زرآبادی. ۱۳۹۷. ارائه الگوی مفهومی از معیارهای انسجام و امتزاج در بافت محلات تاریخی با یکدیگر (نمونه موردی: محلات بافت تاریخی کرمان، منطقه ۱). *نشریه باغ نظر* ۱۵ (۶۱): ۳۹-۵۲.
- موذنی، پریسا. ۱۳۹۸. *حفاظت، مرمت و سامان‌دهی گذر سوربجان کاشان با تمرکز بر گره‌های مهم محله*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- مهندسان مشاور شهر و خانه. ۱۳۷۴. *نقشه بازسازی شده شهر کاشان در اواخر دوره قاجار*.
- میرزاحسینی، سیده‌لیلا. ۱۳۹۸. *میان‌افزایی در احیای بافت‌های تاریخی با رویکرد تفسیری - تاریخی*؛ نمونه موردی: طراحی مرکز احیای هنرهای سنتی در محله سلطان میراحمد کاشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.

- نراقی، حسن. ۱۳۴۸. آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. چ ۱. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ . ۱۳۴۵. تاریخ اجتماعی کاشان. چ ۱. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- نیازی، محسن، و فهیمه استرکی. ۱۳۹۲. شعرپافی در کاشان. کاشان‌شناسی ۱ (۱): ۸۰-۱۰۳.

- ICOMOS. 2000. *Charter on the Built Vernacular Heritage*. México.
- ICOMOS National Committees of the Americas. 1996. *Declaration of San Antonio*. San Antonio, USA.
- ICOMOS. 1999a. *International Cultural Tourism Charter*. México.
- ICOMOS. 1999b. *Principles for the Preservation of Historic Timber Buildings*. México.
- ICOMOS. 1987. *The International Charter for the Conservation of Historic Towns (Washington Charter)*. Washington, USA.
- ICOMOS. 2011. *The Valletta Principles for the Safeguarding and Management of Historic Cities, Towns & Urban Areas*. Valletta, Malta.
- Neglia, Giulia Annalinda. 2018. Water Channels, Routes and Urban Landscape. Interpreting the Urban Fabric of the Traditional City of Kashan. *Kashan An Iranian City in Change*, 61-106. Berlin: EB-Verlag Dr. Brandt Berlin.
- UNESCO. 1964. *International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter)*. Venice. Italia.
- UNESCO. 1976. *Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas*. Nairobi. Kenya.

■ Integrity Evaluation in Historic Urban Areas: The Study of Sultan Amir Ahmad Neighborhood and its Surroundings in Kashan

Hamid-Reza Jayhani

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

Samineh Saberi

M.A. Urban and Architectural Conservation, Central Tehran Branch, Islamic Azad University

The integrity of an urban area is closely connected with its perception as a coherent whole. Maintaining the tangible and intangible structures of this coherent whole guarantees integrity in a historic area. The concept and significance of integrity are amply noted as key components in conservation frameworks. For example, the Venice Charter states that “The sites of monuments must be the object of special care in order to safeguard their integrity.” Even so, no specific procedure has been developed to evaluate and quantify integrity in historic urban areas in Iran. Lack of integrity is among the main damages in historic urban areas. Against this background, the present study aims to shed light on major criteria for integrity evaluation in historical urban areas. For this purpose, the primary criteria were developed based on conservation frameworks. The initial model was put to test in an urban quarter comprising the Sultan Amir Ahmad neighborhood and its surroundings. Accordingly, the preliminary findings were applied to a real but damaged historic urban area, and the relevant criteria were cleared. The descriptive-analytical approach was adopted in this research and historical texts, documents, field studies, and historical photos were utilized for data collection. Moreover, the primary and almost-integrated condition of the studied historical urban area was reconstructed based on aerial images of 1956 as well as information on past land uses and people’s lives and occupations. The initial model for integrity evaluation was created through the analysis of manuscripts, e.g., the Nairobi Recommendation (1976), the Washington Charter (1987), the Declaration of San Antonio (1996), and the Valletta Principles (2011). The findings reveal how the changes and transformations have affected urban macro patterns, urban fabric, buildings and their formal appearance, the relationship between an area and its surroundings, functions, spirit of place, place identity, traditional techniques, and cultural traditions of historic cities, and ultimately, the integrity of a historic urban area.

Keywords: historic city, urban conservation, Kashan, Sultan Amir Ahmad neighborhood, integrity